

بررسی مفهوم انتخابات دمکراتیک^۱

دکتر حسن خسروی^۲

چکیده

در این مقاله به بررسی معنا و مفهوم انتخابات دموکراتیک و مفاهیم مرتبط با آن پرداخته شده است. از آنجایی که انتخابات اصیل و دموکراتیک بر پایه‌های ارزشی بنیادینی نظیر کرامت انسانی، آزادی اراده، مختاریت و حق تعیین سرنوشت موجه سازی می‌شود، لذا به مفاهیم و تعابیری از آنها اشاره می‌شود که در عمل تجلی‌بخش چنین ارزش‌هایی باشند. فرض بر این است که تحقق نظام دموکراتیک و شایسته و ابسته به برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه است، اما عملی شدن چنین انتخاباتی مستلزم فهم دقیق مفاهیم نظام دموکراتیک، انتخابات و شاخصه‌های انتخابات دموکراتیک می‌باشد.

کلید واژه‌ها: انتخابات، رأی، دموکراسی، نظام دموکراتیک، انتخابات آزاد و منصفانه

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۳/۱۵

^۲ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

از جمله کارآمدترین و موثرترین تاسیسات بشر امروزی، پدیده انتخابات است. در پرتو اعتراف به وجود ویژگیها و خصایص با عظمت و ارزنده انسان، یعنی کرامت انسانی، برابری ارزشی، مختاریت، آزادی، عقل، شعور، شخصیت و انطباعات حسی و عاطفی و به رسمیت شناختن و تضمین، حمایت و پایداری از آنها است که نهاد اجتماعی انتخابات پایه گذاری شده است. در واقع، انتخابات می تواند پوشش دهنده متعلق اراده مردم بوده، نقش بارزی در مردمی نمودن قدرت سیاسی، کارآمد کردن زمامداری، کنترل و تحدید قدرت سیاسی و تضمین حقوق و آزادیهای شهروندان داشته باشد. از این رو، هرگونه تلاش علمی در این راستا قابل ستایش خواهد بود، چرا که غایت آن پاسداری از حرمت انسانی و کمک به خود شکوفایی وی و منجر به ایجاد زمینه هایی برای رسیدن به آرامش، رفاه، سعادت، صلح و ثبات می شود. لذا این مقاله نیز در این راستا به رشته تحریر در آمده است.

بند اول _ دموکراسی و نظام دمکراتیک

تعاریف، مفاهیم و برداشتهای مختلفی راجع به دموکراسی مطرح شده است که می توان آنها را در سه دیدگاه: «۱- دیدگاه ارزشی و ذاتی در برابر ابزاری ۲- دیدگاه لیبرالی در برابر اجتماعی ۳- دیدگاه نمایندگی در برابر مستقیم»^۳ خلاصه نمود. صرف نظر از بررسی دیدگاههای فوق الذکر، دموکراسی مبین مشارکت همگانی مردم در زمامداری و اعمال قدرت سیاسی است. شرکت در اداره امور عمومی یک حق بنیادی است که به طور فزاینده ای مورد مطلوب اکثر ملتها واقع شده است. بشر، در ادوار مختلف تاریخی شیوه های متنوعی از نحوه اداره حکومت و تصمیم گیری جمعی و اجتماعی را تجربه نموده است. اما دریافته است، نظامی که بر اساس اراده وی بنا شود و تحت آرمانها و خواسته های افراد جامعه اداره شود، بهتر می تواند تأمین کننده منافع عمومی باشد. از میان نظامهای سیاسی، تجربه اثبات نموده است که نظام دمکراتیک بیشتر و بهتر از سایر اشکال حکومت توانسته به این مهم نائل گردد. حال باید دید که این نظام به چه معنا است و با چه شاخصه هایی می توان متوجه شد که یک نظام سیاسی دمکراتیک است. «نظام دمکراتیک بر اساس ایده آزادی اراده مردم شکل گرفته است، لذا متفاوت از نظامهای سیاسی دیگر است. به دلیل این که این نظام در مقابل قدرتهای استبدادی، زورگویانه و خودکامه مستقر شده است»^۴.

^۳. Christiana, Thomas, *Philosophy and Democracy*, (Oxford: Oxford University Press, 2003), pp. 12-128.

^۴. Kirkpatrick, Jeane J., "Democratic Elections and Democratic Government", American Enterprise Institute and the United State Department of State, 1982. [www. questia. com](http://www.questia.com).

اول - معنای نظام دمکراتیک

نظام دمکراتیک مبتنی بر تفکر دمکراتیک است. یعنی، «در نظام دمکراتیک مردم در انتخابات و تغییر حکومت دارای آزادی اراده می‌باشند».^۵ بر عکس نظامهای خودکامه و مطلقه بدون پشتوانه رأی مردم یا خواست آنان، در نظام دمکراتیک «قدرت دولت از رضایت مردمی که بر آنها حاکم است، سرچشمه می‌گیرد و مردم می‌توانند به دلیل موجه دولت را تغییر دهند یا سرنگون کنند»^۶ و از این حیث که «پایداری آنها بیشتر وابسته به رضایت اکثریت اتباع است با حکومت‌های خودکامه فرق می‌کند».^۷ تفکر نظام دمکراتیک مبتنی بر این است که «افراد باید در تعیین شرایط زندگی خویش آزاد و برابر باشند. بدین معنی که آنها باید در تعیین چارچوبی که هم فرصت لازم را در اختیار آنها می‌گذارد و هم آن را به گونه‌ای محدود می‌کند که نتواند این چارچوب را در خدمت نفی حقوق دیگران به کار گیرند، از حقوق برابر برخوردار باشند».^۸

دوم - شاخصه‌های نظام دمکراتیک

از آنجایی که در نظام دمکراتیک، مردم حاکم بر خود فرض می‌شوند، لذا منشأ اولیه و بالاترین اراده در مشروعیت بخشی به حکومت می‌باشند و با انتقال قدرت و اراده مردم به حاکمان، نظام سیاسی شکل می‌گیرد، به طوری که تداوم این نظام بستگی به خواست و اراده شهروندان دارد. اما سؤال اساسی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا صرف شکل گیری نظام سیاسی بر اساس اراده و رضایت مردم و تغییر آن به دست شهروندان، می‌تواند نشان دهنده وجود یک نظام دمکراتیک باشد یا خیر؟ آیا علاوه بر این شاخصه، شاخصه‌های دیگری ضرورت دارد تا نظام دمکراتیک واقعیت خارجی پیدا کند؟ با ملاحظه آراء اندیشمندان، می‌توان ملاکها و معیارهای متنوعی برای دموکراسی و تشخیص دمکراتیک بودن یک نظام سیاسی مشاهده نمود که به نوعی دارای پراکندگی خاصی می‌باشند. از منظر یکی از اندیشمندان مشهور علم سیاست مبتنی بر پایه های فکری مختلفی است که عبارتند از: «لیبرالیسم، پراگماتیسم، نسبی گرایی، اصالت فرد، اصالت رضایت و قبول عامه، اصل برابری، خود مختاری، حاکمیت قانون و قانون گرایی، شهروندی، حاکمیت مردم و حقوق بشر»^۹ و شاخصه‌هایی را برای دمکراتیک بودن حکومت معرفی می

^۵ . Shapiro, Ian, *The State of Democratic Theory*, (London: Princeton University Press, 2003) p. 1.

^۴ - لیست، سیمور مارتین، *دایره المعارف دموکراسی*، ترجمه کامران خانی و نورالله مرادی، ج دوم، (تهران: انتشارات امور خارجه، چ اول، ۱۳۸۲)، ص ۵۹۷.

^۵ - همان، جلد سوم، ص ۱۲۵۰.

^۶ - هلد، دیوید، *مدلهای دموکراسی*، ترجمه عباس مخبر، (تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چ دوم، ۱۳۷۸)، ص ۴۰۷.

^۷ - بشیریه، حسین، *درسهای دموکراسی برای همه*، (تهران: نگاه معاصر، چ دوم، ۱۳۸۱)، صص ۴۴-۲۰.

نماید که عبارت اند از: «نظام تفکیک قوا و قوای سه گانه، نظارت قوا بر یکدیگر، نظام تصمیم گیری مشارکتی، اصل نمایندگی، مسوولیت مقامات انتخابی و غیر انتخابی».^{۱۱} از منظر یکی از صاحبزنان برجسته حقوق عمومی مبانی و مختصات دموکراسی عبارت اند از: «همگانی بودن مشارکت، آزادی مشارکت، کثرت گرایی و تعدد اندیشه و حزب، تصمیم اکثریت و حقوق اقلیت، تناوب قدرت و حاکمیت قانون».^{۱۱} دیوید بیتام^{۱۲} نیز به طور منسجم چهار شاخصه برای سنجش و تشخیص دموکراتیک بودن نظام سیاسی ارائه نموده است که به شرح و بسط آنها می پردازیم:

الف_ انتخابات آزاد و منصفانه: نظام انتخابات آزاد و منصفانه از جلوه های یک نظام دموکراتیک محسوب می شود. به خاطر این که مردم از طریق آن می توانند نقش تعیین کننده و مؤثری در شکل گیری ساختارها و نهادهای سیاسی و جهت دهی خط مشی ها و قوانین در جامعه داشته باشند. «درست است که انتخابات آزاد و منصفانه حوزه وسیعی را برای اراده آزاد مردم جهت ایجاد و تغییر حکومت ایجاد می نماید، اما به تنهایی نمی تواند تضمین بخش ایجاد نظام دموکراتیک باشد»^{۱۳} و چه بسا حکومت هایی که بر اساس انتخابات آزاد بر سر کار آیند ممکن است ناتوان، فاسد، کوتاه بین و غیر مسؤول باشند و از منافع خاصی حمایت کنند.

بر این اساس، انتخابات زمانی آزاد و منصفانه خواهد بود که «مبتنی بر مشارکت عموم مردم و رقابت سالم»^{۱۴} باشد. به گونه ای که مردم از طریق آن بتوانند حق حاکمیت و تعیین سرنوشت خود را به واقعیت عملی تبدیل نمایند و نتیجه انتخابات برآیند اراده و خواست واقعی مردم باشد. اما این که چه فاکتورها و عواملی، انتخابات را آزاد و منصفانه می نماید، در جای دیگری بدان می پردازیم. آنچه که مهم است در اینجا گفته شود این است که؛ انتخابات آزاد و منصفانه ابزاری است در جهت تثبیت و تحکیم نظام دموکراتیک و «تضمین کننده سایر ابزارها و پایه های دموکراسی نیز به شمار می آید. به این معنا که آزادی تنها یک ایده آل نیست، یک تجربه هم هست و یکی از مصادیق واقعی تحقق آن، آزادی انتخاب است. به نظر می رسد در دل آزادی انتخاب، آزادی اندیشه، فکر، تصمیم و اراده، آزادی عمل و اجرا نهفته است. برای آنکه آزادی به عنوان یک کمال مطلوب به تجربه درآید و در عمل تحقق یابد، باید بتوان در عمل دست به انتخاب زد. حضور مردم در انتخابات آزاد به منظور استفاده از حقوق خود برای تعیین

^۸ - همان، صص ۱۳۶-۱۰۵.

^۹ - هاشمی، سید محمد، *حقوق بشر و آزادیهای اساسی*، (تهران: نشر میزان، چ اول، ۱۳۸۴)، صص ۴۳۵-۴۳۰.

^{۱۱} - بیتام، دیوید، *دموکراسی و حقوق بشر*، (تهران: طرح نو، چ اول، ۱۳۸۳)، صص ۲۶۹-۲۶۰.

^{۱۲} . Bjornlund, Eric, "Free and Fair Election", 2004. www.democracyinternational.US/downloads/Essay.pdf.

^{۱۴} - امیر ارجمند، اردشیر، «انتخابات آزاد؛ مولفه دموکراسی»، *روزنامه ایران*، قسمت اول، سال یازدهم، شماره ۳۱۳۶، ۱۳۸۴/۲/۲۸، ص ۱۶.

سرنوشت یکی از جلوه‌های بارز تحقق واقعی آزادی سیاسی است که از مهمترین پایه‌های دموکراسی محسوب می‌شود.^{۱۵}

ب _ دولت شفاف و پاسخگو: دولت شفاف و پاسخگو، دولتی است که در آن فرآیند تصمیمات حکومتی به طور واضح و روشن و بر اساس قانون اتخاذ شود و «مقامات و نهادهای سیاسی پاسخگوی وظایف، تکالیف و تصمیمات خود در اداره امور عمومی به مردم باشند و با ارائه دلایل و مبانی تصمیمات خود به مردم، نظام سیاسی به طور خودکار پاسخگو و با جمیع سایر شاخصه‌ها، جنبه دموکراتیک به خود می‌گیرد».^{۱۶} در نظامهای دموکراتیک، پاسخگویی دولت به مردم دو جنبه دارد: «یکی پاسخگویی حقوقی _ یعنی پاسخگویی به دادگاهها در مورد پایبندی مسوولین نظام به قوانین «حکومت قانون» و دیگری پاسخگویی سیاسی _ یعنی پاسخگویی به پارلمان و مردم درباره اقدامات و سیاستهای دولت».^{۱۷} این پاسخگوییها، در حقیقت، تضمینی است برای حفظ جایگاه اراده آزاد شهروندان و حق حاکمیت آزاد در تعیین سرنوشت خود و این که حاکمان نماینده خواسته‌ها و مطالبات مردم می‌باشند، لذا به جهت انطباق تصمیمات مقامات عمومی با خواسته‌های مردم انواع مختلفی از پاسخگویی مقامات و نهادهای حکومتی در مقابل مردم ضرورت پیدا می‌کند. در نتیجه، «حکومت هنگامی که انتخاب شد، باید به طور مداوم در برابر مردم و نمایندگان مردم پاسخگو باقی بماند. قدرتهایی که برای اخذ تصمیمات و سیاست‌گذاریها در اختیار حکومت هستند، قدرتهای عمومی‌اند؛ یعنی، به وسیله مردم به نمایندگانشان تفویض شده‌اند و باید مطابق مقرراتی اعمال شوند که نظارت و مشورت مردم در مورد استفاده از آنها را تضمین می‌کنند و جلوی سوء استفاده خودسرانه از آنها را می‌گیرند. پاسخگویی فقط زمانی ممکن است که مردم کاملاً از اقدامات حکومت اطلاع داشته باشند و رویه‌هایی برای مشورت نظام‌مند و درست با افکار همگانی وجود داشته باشد».^{۱۸}

ج _ حقوق مدنی و سیاسی: در نظام دموکراتیک هر شهروندی از حقوق بنیادین برخوردار می‌باشد و این حقوقها، ابزاری در خدمت کرامت و حرمت انسانی‌اند تا بشر از طریق آنها بتواند هویت و اصالت خود را به اجرا بگذارد و ضمانت اجرای آن به عهده دولت است. لذا دولت ضمن وضع قوانین حقوق بشری جهت شناسایی و به رسمیت

^{۱۵} - عمادی، الهام‌السادات، *نگرش تطبیقی نظام جمهوری اسلامی ایران با دموکراسی مطلوب*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۸۵، ص ۴۵.

^{۱۶} . Mainwaring, Scott and Welna, Christopher, *Democratic Accountability in Latin America*, (Oxford: Oxford University Press, 2003), p.7.

^{۱۷} - بیتنام، دیوید و بویل، کورین، *دموکراسی چیست؟*، ترجمه شهرام نقش تبریزی، (تهران: ققنوس، چ دوم، ۱۳۷۹)، ص ۵۴.

^{۱۸} - بیتنام، دیوید، پیشین، ص ۲۶۲

شناختن این حقه‌ها، از طرق مختلف و با مکانیزم‌های متعدد و مقتضی باید حافظ آنها باشد. در واقع، حقوق بشر، «مجموع حق‌هایی است که به اعتبار طبیعت و خصایص بشری، متعلق به انسان است و تأکید بر واژه «بشر» از آن جهت است که او دارنده حق است».^{۱۹} منظور از حقوق مدنی و سیاسی «حقوقی است که در اعلامیه‌ها، معاهدات و کلیه اسناد حقوق بشری»^{۲۰} به رسمیت شناخته شده است. «درست است که این حقوق به عنوان بخشی از حقوق کلی بشر برای افراد محفوظ است، ولی ارزش آنها در کار جمعی آنهاست. یعنی پیوستن به دیگران و تلاش برای هدفهای مشترک، مبارزه گروهی، تأثیربخشی بر افکار عمومی و غیره. پس نباید چنین تصور شود که حقوق فردی لزوماً با هدفها یا تصمیم‌گیریهای جمعی و نظارت مردم بر دولت توافری دارد، چرا که این حقوق، پایه‌های اساسی چنین قدرتی را برای جامعه فراهم می‌آورد».^{۲۱}

د _ جامعه دموکراتیک و جامعه مدنی: در نظام دموکراتیک صرفاً دولت و مردم وجود ندارد، بلکه می‌توان شاهد وجود نهادها و «هیأت‌های واسطه‌ای»^{۲۲} بود که نقش مؤثری در تحکیم و توسعه و پاسخگو کردن نظام دموکراتیک دارند. «مفهوم جامعه مدنی نشان‌دهنده این واقعیت است که برای حفظ دموکراسی، جامعه باید دارای تشکلهای گوناگونی باشد که بدون اتکاء به دولت اداره شوند. تنها در این صورت است که قدرت دولت محدود می‌شود. افکار عمومی به جای این که از بالا سازمان یابد، از پایین به گوش دولتمردان می‌رسد و جامعه به اعتماد به نفسی که لازمه مقاومت در برابر خودکامگی است، دست یابد».^{۲۳} وجود جوامع مدنی در نظام سیاسی نشان‌دهنده و تجلی بخش نقش کلیدی شهروندان در اداره دموکراتیک نظام سیاسی است. به طوری که مردم از طریق این جوامع می‌توانند آگاهی و اطلاعات لازم را در مورد چگونگی عملکرد حاکمان و نحوه استفاده نمایندگان از قدرت و صلاحیت اعطاء شده به آنها، بدست آورند و سپس با ارائه دیدگاهها، نظرات و انتقادات خود، زمینه اعمال نظارت بر حکومت و کنترل قدرت را فراهم می‌آورند.

با بررسی شاخصه‌های نظام دموکراتیک می‌توان این گونه نتیجه گرفت که؛ نظامی دموکراتیک است که در آن: «۱- شهروندان مشارکت فعال، مؤثر، کارآمد و آگاهانه در تشکیل، اداره و نظارت بر حکومت را داشته باشند ۲- شهروندان از حق رأی برابر و عام برخوردار باشند ۳- امکان و فرصت برابر برای همه شهروندان در اداره امور عمومی

^{۱۹} . Orend, Brian, *Human Rights: Concept and Context*, (Toronto: Broadview Press, 2002), p. 15.

^{۲۰} . Hilla University, "What Is Democracy", 2004. www.stanford.idiamond/iraq.htm.

^{۲۱} - بیتنام، دیوید، بویل، کوین، پیشین، ص ۵۴.

^{۲۲} - هاشمی، سید محمد، «جامعه مدنی و نظام سیاسی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۲۳-۲۴، بهار و تابستان ۱۳۷۷، ص ۶۱.

^{۲۳} - بیتنام، دیوید و بویل، کوین، پیشین، ص ۵۵.

موجود می‌باشد ۴- تصمیمات و اقدامات حکومت تحت نظارت مردم و با مکانیزم پاسخگویی خودکار حاکمان اتخاذ شود ۵- حقوق و آزادیهای شهروندان مورد شناسایی و محافظت دولت قرار گیرد».^{۲۴} ۶- حزب یا ائتلاف حزبی انتخاب شده بتواند حکومت کند ۷- انتخابات دوره‌ای ۸- احزابی که برنده نشده‌اند، تلاش نکنند حکومت را ساقط کنند. ۹- حکومت، فعالیت منتقدین و مخالفین را محدود نکند ۱۱- حداقل دو حزب در انتخابات رقابت کنند ۱۲- حزب یا اکثریت آراء بتوانند تا زمان انتخابات بعدی حکومت کنند».^{۲۵}

نظر به معنا و مفهوم عنوان شده از دموکراسی و نظام دموکراتیک می‌توان عنوان نمود که هر گونه برداشت و نگرشی که به دموکراسی داشته باشیم، حداقلی یا حداکثری باشد، انتخابات عنصر لاینفک و مولفه دموکراسی محسوب می‌شود. به عبارتی، انتخابات تأسیسی ابزاری است در خدمت دموکراسی و دموکراسی زمانی تحکیم و استقرار می‌یابد که حکومت اولاً، با یک انتخابات آزاد و منصفانه و رقابتی شکل گرفته باشد. ثانیاً، بر اساس اصل نظارت و کنترل همگانی و با مکانیزم پاسخگویی اداره شود. ثالثاً، چنین حکومتی چنانچه در انتخابات بعدی شکست بخورد، نتیجه را بپذیرد. «مضمون اصلی این معیار این است که پیروزی در مبارزه اهمیت ندارد، بلکه پذیرش نتیجه انتخابات مهم است، چرا که نشان می‌دهد که بازیگران قدرتمند و حامیان اجتماعی احترام به قواعد بازی را برای تداوم قدرتشان ترجیح می‌دهند».^{۲۶} در صورت نبود مکانیزم انتخابات در نظام دموکراتیک، دموکراسی در عالم تئوری باقی می‌ماند و به عبارتی، انتخابات پل ارتباطی بین نظام دموکراتیک و ایده و تفکر مردم‌سالاری است. «به منظور دموکراتیک بودن، یک کشور باید انتخابات داشته باشد که در آن تعدادی از کاندیداها و احزاب با هم به رقابت پردازند و آراء به طور منصفانه شمارش شود».^{۲۷} به گونه‌ای که نتایج شمارش، تجلی بخش اراده مردم باشد. البته یادآوری می‌کنیم که «انتخابات تنها ابزار دموکراسی نیست، لذا به آنها باید توسط تأسیسات و نهادها و قواعد مقتضی کمک شود»^{۲۸} تا دموکراسی تحکیم یابد. اما به نظر می‌رسد که انتخابات مهمترین ابزار دموکراتیک نظام دموکراسی باشد. «انتخابات دارای یک خصیصه اتصالی هستند، به طوری که سیاستمداران را تشویق یا وادار می‌کنند تا به

^{۲۴} . Dahl, Robert A., *Democracy*, (London: Yale University Press, 2000), pp. 37-38.

^{۲۵} . Downs, A., *An Economic Theory of Democracy*, (New York: Harper Brothers, 1967), pp. 23-24.

^{۲۶} - دبیرنیا، حسین، *نظام انتخاباتی ایران از منظر قانون اساسی و اسناد بین‌المللی حقوق بشر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بشر، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۸۵، ص ۶۵.

^{۲۷} . Rose, Richard, (Editor in chief) and Others, *International Encyclopedia of Elections*, (London: Macmillan Press, 2000), p. 56.

^{۲۸} . Powell, G., Bingham, Jr., *Elections as Instruments of Democracy*, (USA: Yale University Press, 2000) , p.4.

خواسته‌های شهروندان توجه نمایند. یک وفاق عام وجود دارد که وجود انتخابات رقابتی، بیش از هر فاکتور و ابزار دیگر، دولت‌های امروزی را به عنوان یک نظام سیاسی دموکراتیک، تثبیت نموده است.^{۲۹} در مجموع، انتخابات به عنوان یک مکانیزم و سازوکار، در خدمت اراده مردم است تا از طریق آن شهروندان ضمن تعیین تصمیم‌گیرندگان، عامل اصلی تعیین‌کننده محتوای سیاستها و قوانین در آینده باشند.

بند دوم _ انتخابات

اول _ معنای لغوی

انتخابات از لحاظ لغوی معانی مختلفی دارد، از جمله: «برگزیدن، بیرون کشیدن، برگزیدن چیزی از میان چیزهای دیگر، برگزیدن کسی از میان جمعی برای کاری».^{۳۰} همچنین واژه انتخابات به معنای عمل گزینش و انتخاب کردن است. یعنی، «عمل گزینش و انتخاب کردن از چندین مورد با گزینه‌های مختلف».^{۳۱} در تعریف واژه انتخابات می‌توان معانی مختلفی را در فرهنگهای حقوقی، سیاسی و اجتماعی پیدا نمود که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود: فرهنگ الکترونیکی «ویکی‌پدیا» واژه انتخابات را این گونه معنا نموده است: «۱- یک رأی جهت انتخاب برنده یک نهاد سیاسی یا یک موقعیت سیاسی ۲- عمل انتخاب کردن شخص یا چیزی ۳- وضعیت انتخاب شدن ۴- تعیین سرنوشت برخی اشخاص».^{۳۲} در تعریف دیگر، واژه انتخاب این گونه معنا شده است: «الف _ عمل یا قدرت انتخاب کردن ب _ عمل انتخاب شدن ج _ حق یا توانایی ایجاد یک انتخاب».^{۳۳} در مجموع، واژه انتخابات به معنای گزینش و عمل انتخاب کردن است و زمانی واقعیت بیرونی خواهد داشت که اولاً، اراده آزاد انسان پیش فرض گرفته شود و ثانیاً، امکان اجرای این آزادی عمل گزینش وجود داشته باشد. ثالثاً، گزینه‌های مختلفی وجود داشته باشد تا از میان آنها گزینش صورت گیرد.

دوم _ معنای اصطلاحی

^{۲۹} . Ibid.

^{۳۰} - عمید، حسن، فرهنگ عمید، (تهران، امیرکبیر، ج اول، ۱۳۴۲)، ص ۱۵۹.

^{۳۱} . Carner. A., Bryan, *Black's Law Dictionary*, (USA: Thomson Press, 2004), p.557.

^{۳۲} . Wikipedia Free Encyclopedia, "Elections". [www. En. wikipedia.org/wiki/Election.htm](http://www.En.wikipedia.org/wiki/Election.htm).

^{۳۳} . The Free Dictionary, "Election". [www. thefreedictionary. com. election/htm](http://www.thefreedictionary.com.election/htm).

از نظر اصطلاحی، انتخابات پیوند عمیقی با نظامهای انتخابی و مردمی دارد. به عبارتی، انتخابات سازوکاری برای شکل‌گیری یک نظام سیاسی و انتخاب مقامات و نهادهای سیاسی است. لذا «انتخابات، شکلی از فرآیند تصمیم‌گیری در جامعه به طور جمعی است که در آن رأی‌دهندگان تصمیم می‌گیرند که کدام حزب یا کاندیدا مسؤولیت اداره امور عمومی را به دست گیرد».^{۳۴} همچنین انتخابات رویه‌ای است که در آن احزاب و کاندیداها از طریق نظام رأی‌گیری برای سیستمهای انتخابی و عمومی توسط مردم انتخاب می‌شوند.^{۳۵} با چنین نگرشی انتخابات یکی از مهمترین مکانیزمهای پر کردن کرسیهای نمایندگی در نظام مردم‌سالار است و در حقیقت، اصطلاح و نهاد انتخابات ذاتاً اصالت ندارد، بلکه ابزار و مکانیزم تصمیم‌گیری جمعی و در خدمت اراده مردم و تثبیت نظامهای نمایندگی است. «به دلیل این که در نظامهای دمکراتیک، مشروعیت و صلاحیت دولت صرفاً از رضایت شهروندان نشأت می‌گیرد، لذا مکانیزم عمده و مهم برای انتقال آن رضایت، انتخابات آزاد و منصفانه است».^{۳۶} اصطلاح انتخابات در واقع، در نظامهای مردم‌سالار معنای واقعی خود را می‌یابد، چرا که ممکن است در نتیجه انتخابات غیرعادلانه و غیرمنصفانه، حکومت و نظامی استبدادی بر سر کار آید و نمایندگانی انتخاب شوند که تجلی‌بخش اراده واقعی و آگاهانه مردم نباشند. از این رو، نظام دمکراتیک در پی یک انتخابات رقابتی و سالم تأسیس می‌شود و «انتخابات به عنوان مکانیزم و ابزار تأسیس حکومت، نقش مهمی در اثرگذاری مردم بر انتخاب نمایندگان و سیاستها دارد».^{۳۷} نهایتاً این که، «انتخابات مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت، تدبیر شده است. از این دیدگاه، انتخابات به معنی فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان است. ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد».^{۳۸} از این رو، انتخابات، «نیروی حیات‌بخش نظام دمکراتیک است، چرا که ایجادکننده مذاکرات و مباحثات عمومی، شکل‌دهنده برنامه و شعارهای سیاسی، تعیین‌کننده نمایندگان و مقامات عمومی، تعیین‌کننده ترکیب پارلمان و تأثیرگذار بر توزیع قدرت در حکومت می‌باشد».^{۳۹}

^{۳۴} . Rose, Richard, p. 36.

^{۳۵} . Clark, Elizabeth. S., "Why Elections Matter", 2000. [www. Twq.com / summer 00/ clark.pdf](http://www.Twq.com/summer00/clark.pdf).

^{۳۶} . Forgin Affairs Administer of USA, "What Is Democracy?". [www. usinfo. state. gov / products / pabs / democracy / dmpaper. htm](http://www.usinfo.state.gov/products/pabs/democracy/dmpaper.htm).

^{۳۷} . Powell. G., Bingham. Jr., p.3.

^{۳۸} - قاضی، ابوالفضل، *با بسته‌های حقوق اساسی*، (تهران: نشر میزان، چ بیست و چهارم، ۱۳۸۵)، ص ۲۹۱.

^{۳۹} . Le Duce, Lawrence, Niemi, Richard C. and Norris Pippa, *Comparing Democracies 2*, (London: SAGE Publications, 2002), p.1.

بند سوم _ انتخابات دمکراتیک

با بررسی معنا و مفهوم انتخابات و نظام دمکراتیک، اینک می‌توانیم درکی از انتخابات دمکراتیک را ارائه کنیم. از آنجایی که انتخابات و شیوه تصمیم‌گیری جمعی دمکراتیک، نقش بسیار اساسی در اتخاذ تصمیم صلح‌آمیز و ایجاد ثبات در جامعه سیاسی را دارد، تصدی قدرت سیاسی بدون رضایت مردم خارج از رویه‌های مردمی و دمکراتیک، بی‌ثباتی و تعارض منافع و مشکلات عدیده‌ای برای اداره نظام سیاسی به وجود می‌آورد. بر این اساس، ایجاد نظام دمکراتیک وابسته به یک انتخابات دمکراتیک می‌باشد. حال این سؤال مطرح می‌شود که انتخابات دمکراتیک چیست؟ یک انتخابات دمکراتیک دارای چه مؤلفه‌ها و عناصری است؟ و چگونه می‌توان دمکراتیک بودن انتخابات را مورد سنجش قرار داد؟ پاسخ به این سؤالات می‌تواند ما را به درک روشنی از معنا و مفهوم انتخابات دمکراتیک برساند.

اول _ معنای انتخابات دمکراتیک

انتخابات دمکراتیک، انتخاباتی است که در فضایی دمکراتیک با رعایت حقوق و آزادیهای سیاسی شهروندان برگزار شود. حکومت و نهادهای انتخاباتی برآمده از چنین فضایی که بر اساس رضایت و رأی آزاد شهروندان باشد، دارای مشروعیت است. پس انتخابات دمکراتیک مشروعیت بخش نظام سیاسی است، البته «انتخابات دمکراتیک صرفاً مشروعیت بخش سمبولیک را ندارد، بلکه دارای خصیصه‌های رقابتی، دوره‌ای، فراگیر و آزاد، منصفانه و قطعی است که در آن تصمیم‌گیرندگان در حکومت، توسط شهروندان که از آزادیهای وسیعی بهره‌مند هستند، انتخاب می‌شوند».^{۴۰} این خصیصه‌های روشن و معین از انتخابات دمکراتیک آنها را از سایر رویه‌های تصمیم‌گیری متمایز می‌نماید. خصیصه رقابتی بودن منجر به مشارکت مؤثر و کارآمد تمام گروهها و احزاب مخالف و موافق می‌شود. فراگیر بودن، موجب حضور همه افراد واجد صلاحیت بدون توجه به فاکتورهای تبعیض‌آمیز می‌گردد و قطعی بودن آن، پذیرش نتایج انتخابات توسط تمام بازیگران انتخابات را به همراه می‌آورد.

بر اساس چنین نگرش و معنایی از انتخابات دمکراتیک، حکومت زمانی مشروعیت دارد که اولاً، با رضایت مردم طی انتخاباتی با خصیصه‌های فوق‌الذکر شکل گرفته و ثانیاً، پس از انتخاب شدن عملی‌کننده خواسته‌ها و نیازهای مردم در چارچوب قانون باشد. در حقیقت، انتخابات دمکراتیک، «انتخاباتی است که نهادها و مقامات انتخابی را ایجاد می‌نماید و منتخب مردم و پاسخگو در برابر رأی دهندگان می‌باشند. لذا در انتخابات دمکراتیک، «هر شهروندی

^{۴۰} . Kikpatrick Jeane, "Concept of Election", 2003. www.wikipedia.com/Elections/htm

بهترین قاضی منافع خودش» فرض می‌شود و هیچ فرد و یا طبقه‌ای از قبل صلاحیت نمایندگی مردم را ندارد، مگر بر اساس شرایط مقرر در قوانین مربوطه، از طرف مردم برای این سمت انتخاب شده باشد.^{۴۱} در انتخابات دموکراتیک گزینشهای مردم واقعی است و رأی آنها صرفاً یک عمل تشریفاتی نیست، بلکه شهروندان در حال مشارکت فعال در یک رویه تصمیم‌گیری هستند که تصمیمات بعدی حکومت را شکل خواهند داد. لذا این انتخابات رویه‌های مشارکت و نمایندگی با معنایی را ترسیم می‌نماید. بر این اساس، نمایندگان منتخب در چارچوب خواسته‌ها و ارزشهای موجود در جامعه اقدام به تصمیم‌گیری می‌نمایند.

دوم _ اصول و شاخصه‌های انتخابات دموکراتیک

در یک انتخابات اصیل و واقعی، تعداد قابل توجهی از شهروندان که واجد شرایط رأی دادن می‌باشند، باید در انتخابات حضور فعال داشته باشند. البته این حضور باید آگاهانه و با وجود شرایط برابر و توأم با آزادیهای مختلف سیاسی باشد. در یک فضای دموکراتیک می‌بایستی شهروندان قادر به تشکیل جمعاعات و اجتماعات مبتنی بر تعاون، همکاری و منافع درگیرانه و مشترک باشند. انتخابات دموکراتیک باید بر اساس نگرش آزادی اراده شهروندان و در روش‌های برابرگونه و دسترسی همه به فرآیند انتخابات برگزار شود. به طور کلی شاخصه‌های انتخابات دموکراتیک را در سه دسته تقسیم نمود: الف _ ارزشی و ماهوی ب _ رویه‌ای و فرایندی ج _ سازمانی و ساختاری.

الف _ اصول ارزشی و ماهوی

منظور از اصول ارزشی و ماهوی، اصولی هستند که بر پایه ماهیت بشر، فطرت و طبیعت انسانی تکیه دارند و به نوعی در راستای حفظ کرامت انسانی و صیانت از حرمت و هویت بشری می‌باشد. اهم اصول ارزشی و ماهوی به شرح ذیل می‌باشند:

۱ _ اصل آزادی سیاسی:

آزادی سیاسی به این معنا است که «فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی، شرکت جوید و یا به تصدی مشاغل عمومی و سیاسی و اجتماعی کشور خود نائل آید و یا در مجامع، آزادانه عقاید و افکار خود را به نحو مقتضی ابراز نماید».^{۴۲} مهمترین آزادیهای سیاسی عبارت می‌باشند از: الف - آزادی عقیده ب - آزادی بیان ج - آزادی گروهی و اجتماعات.

^{۴۱} . Ibid., p.2. and Keostakos, Goergios, *Democratic Elections and the Mediterranean*, (Greece: Eliamep, 1999), pp.61.

^{۴۲} - طباطبائی موتمنی، منوچهر، *آزادیهای عمومی و حقوق بشر*، (تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۰)، ص ۹۶

۲_ اصل عدالت سیاسی:

منظور از عدالت سیاسی آن است که «امور کشور به نحو شایسته اداره شود تا مردم در فضای عادلانه به زندگی ادامه دهند. برخورداری از برابری، آزادی، امنیت و آسایش به عنوان حقوق طبیعی افراد جامعه، تأمین کننده این فضای عادلانه خواهد بود. حقوق طبیعی افراد در هر جامعه سیاسی برای حکومت ایجاد تکلیف می کند. وفاداری به این تکلیف مستلزم میثاقی است که بر اساس آن، حکومت منتخب مردم برای مردم، پاسخگوی مردم باشد. به این ترتیب بین عدالت و سیاست رابطه منطقی برقرار می شود که در آن حکومت منتخب مردم مسؤول و قابل مواخذه باشد». ^{۴۳} لازمه برقراری چنین رابطه منطقی برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه با تأمین حق مشارکت عام و برابر برای کلیه شهروندان خواهد بود.

۳_ برابری سیاسی:

اصل برابری سیاسی مبین این است که «افراد با یکدیگر به منزله افرادی برابر رابطه داشته باشند و بنابراین دولت نیز با همه آنها چنین رابطه ای داشته باشد». ^{۴۴} اصل برابری نشأت گرفته از نگرش والا به حرمت داشتن و کرامت ذاتی وی است که در بردارنده هیچ گونه تمایزی ارزشی بین انسانها نیست، لذا اعمال هر گونه تبعیض یا وسیله قراردادن انسان هیچ دلیل مشروعی ندارد. از این حیث برابری حاوی این پیام است که «تمام مردم دارای حقوق و تکالیف یکسان هستند». ^{۴۵}

برابری سیاسی مستلزم این است که هر شهروندی از یک شانس برابر در اجرای حقایق سیاسی خود با اثرگذاری کارآمد در شکل گیری و اداره نظام سیاسی برخوردار باشد. به منظور نائل شدن به این مهم، برابر نمودن حق رأی و همگانی کردن مشارکت، امری واجب محسوب می شود. به عبارتی، ارزش و اعتبار برابر برای هر شهروند در اعمال حق مشارکت سیاسی در نظر گرفته شود تا حدی که همه شهروندان به یکسان، توانایی اعمال تأثیرگذاری بر شکل گیری نظام سیاسی و تصمیمات حکومتی را داشته باشند. لذا نظامهای مردمی و دمکراتیک بیش از سایر نظامهای سیاسی می توانند رعایت کننده چنین مفهومی از برابری سیاسی باشند، چرا که نظام دمکراتیک، «نظامی است که به هر فرد اختیار یکسان در تأثیرگذاری بر تصمیم گیری را تا حداکثر ممکن اعطا می کند». ^{۴۶} بر این اساس، یکی

^{۴۳} - هاشمی، سید محمد، *جزوه درسی حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، نیمسال اول، ۱۳۸۰-۸۱، ص ۶۹.

^{۴۴} - سويفت، آدام، *فلسفه سیاسی*، ترجمه پویا موحد، (تهران: ققنوس، چ اول، ۱۳۸۵)، ص ۱۴۹.

^{۴۵} - هاشمی، سید محمد، *حقوق بشر و آزادیهای اساسی*، پیشین، ص ۲۱۶.

^{۴۶} - نلسون، ویلیام، *در توجیه دمکراسی*، ترجمه علیرضا پارسا، (تهران: نشر دیگر، چ اول، ۱۳۸۴)، ص ۳۳.

از اصول بنیادین و ارزشی نظام دموکراتیک و انتخابات آزاد و منصفانه، برابر انگاشتن ترجیحات و منافع همه شهروندان است که می‌توان آن را در قالب جملات «یک شخص، یک رأی، برابری نزد قانون، حق‌های برابر آزادی بیان»^{۴۷} خلاصه نمود. برای فهم این که آیا واقعاً برابری سیاسی در نظام دموکراتیک وجود دارد یا خیر، می‌توان به شاخصه‌هایی اشاره نمود: الف- درصد مشارکت رأی‌دهندگان ب- درصد انتخاب‌شوندگان ج- میزان دسترسی برابر و منصفانه و آزاد به رسانه‌ها د- آموزش و تعلیم سیاسی و مدنی برابر برای همه ه- میزان آزادی احزاب و تشکلهای
۴_ اصل عدم تبعیض:

اصل عدم تبعیض در بحث انتخابات و حق مشارکت سیاسی، نقطه پایه‌ای ایده دموکراتیک است. بدین معنی که در نظام دموکراتیک، افراد از حیث ذاتی و ماهوی با هم برابر و دارای خصلت ارزشی برابر گونه می‌باشند. لذا «زمانی می‌توانیم از برابری انسان سخن به میان آوریم که نتوانیم، یعنی نباید یک یا گروهی از انسان‌ها را وسیله یا ابزاری برای رسیدن به اهداف دیگر انسان‌ها قرار داد. یعنی همان اصل ممنوعیت ابزار قرار دادن انسان است. برابری ارزشی برآمده از این ممنوعیت است و به این معنا که نمی‌توان هیچ انسانی را از آن جهت که انسان است، از حیث ارزشی از انسانهای دیگر برتر یا فروتر داشت.^{۴۸} کاربرد این اصل در انتخابات، دارای این اثر است که کلیه مراحل انتخابات باید بر اساس اصل برابری ارزشی و سیاسی توسط مدیریت انتخابات لحاظ شود. به طوری که همه افراد بتوانند در کمال آزادی اراده و اطلاعات کامل، حقوق سیاسی خود را به منصفانه ظهور برسانند. «ظهور این اصل را می‌توان در تعیین حوزه‌های انتخاباتی، ثبت نام رأی‌دهندگان و کاندیداها و احزاب، تخصیص منابع انتخاباتی، کمک به کاندیداها و احزاب و غیره مشاهده نمود».^{۴۹}

۵_ اصل حاکمیت قانون:

از جمله اصول ارزشی و مترقی در فلسفه سیاسی و حقوق، حاکمیت قانون است. به موجب این اصل کلیه امور اجتماعی در جامعه باید منطبق با قانون باشد. حاکمیت قانون تعادل بخش دو نگرانی عمده است: از یک سو اختیارات اعطایی به حکومت باید به نحوی باشد که به ساختارها و مقامات حکومتی امکان دهد که کشور را اداره نمایند و از سوی دیگر، لازم است از فراگیری قدرت حکومت جلوگیری شده و از تحدید آزادیهای اساسی شهروندان

^{۴۷}. Verba, Sindy, "Political Equality", Harvard University 2001. www.russellsage.org/programs/main/inequality.Pdf.

^{۴۸} - راسخ، محمد، «تئوری حق و حقوق بشر بین‌الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۲۷.

^{۴۹}. Stulic, Mathew, "Genetic Non-Discrimination, Privacy and Property Right", 2000, [www. Murdoch.edu.au/elaw/issues/vtn2/stalicts.html](http://www.Murdoch.edu.au/elaw/issues/vtn2/stalicts.html).

توسط عملکردهای اقتدارگرایانه آن جلوگیری گردد. حاکمیت قانون تعادل و توازن این دو نیاز جامعه سالم و دارای سامان را تأمین می‌کند. کارکردهای اصلی حاکمیت قانون، کنترل قدرت سیاسی، انتظام بخشی اداره امور عمومی، تضمین حقوق و آزادیهای شهروندان می‌باشد. بی‌شک اگر نظام سیاسی بر اساس قانون شکل گیرد و بر اساس قانون اعمال شود، امکان خودکامگی و بروز و ظهور حکومت‌های استبدادی و دیکتاتوری کمتر است، اما نباید تصور نمود که به صرف وجود قانون و اعمال حکومت بر اساس قانون، می‌توان انتظار نظام سیاسی عادلانه و تأمین کننده منافع عمومی را داشت. لذا، ایجاب می‌نماید که این قانون بر اساس نظام ارزشی و بینشی موجود در جامعه وضع شده باشد و حافظ نظم، صلح، امنیت و حق‌ها و آزادیهای شهروندان در جامعه باشد. با چنین نگرشی به اصل حاکمیت قانون است که مفاهیم و برداشتهای متعددی در خصوص آن مطرح شده است که بررسی آنها مستلزم نوشتارهای دیگری است. اما آنچه که در ارتباط با انتخابات و اصل حاکمیت قانون لازم است عنوان شود، این است که قانون پایه و اساس برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه است. به خاطر این که در صورت فقدان قانون یا قانون شایسته و یا مردمی از یک طرف و رقابت بر سر کسب قدرت توسط بازیگران سیاسی از طرف دیگر، می‌توان شاهد نقض حقوق و آزادیهای شهروندان بالاخص حق تعیین سرنوشت و حاکمیت مردم و نظام استبدادی بود.

۶_ اصل تضمین حقوق مدنی و سیاسی:

انسان به حکم انسان بودنش، دارای یک سری از حق‌ها به منظور صیانت از کرامت و حرمت ذاتی خود است و در حقیقت حقوق بشر «عبارت از مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه است که افراد به اعتبار انسان بودن در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم با تضمینات و حمایت‌های لازم از آن برخوردار می‌باشد».^{۵۰} در واقع، «حمایت از حقوق بشر و بهبود آن امر حیاتی و ضروری برای بقاء و پیشرفت انسانیت است».^{۵۱}

منظور از حقوق مدنی و سیاسی، همان حقوق و آزادیهایی است که در کنوانسیون‌های مربوطه و بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها و قوانین اساسی‌ها و قوانین و مقررات حقوق بشری آمده است.^{۵۲} نظیر: اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی. مفاد این اسناد حقوق بشری، دولت‌ها را ملکف نموده است تا کلیه اقدامات لازم در جهت تضمین و اجرای حقوق مدنی و سیاسی، حق تعیین سرنوشت، مشارکت واقعی مردم در امور سیاسی کشور

^{۵۰} - هاشمی، سید محمد، *حقوق بشر و آزادیهای اساسی*، پیشین، ص ۱۲.

^{۵۱} . Smith, Rhone. K.M, *Human Right's*, (Oxford: Oxford University Press, 2005), p.1.

^{۵۲} . Bell, Daniel. A., *Human Rights and Democracy in East Asia*, (Princeton: Princeton University Press, 2000), p.3.

را انجام دهند. بر این اساس، حقوق مدنی و سیاسی، آزادی‌هایی از جمله آزادی بیان، اجتماعات و مهاجرت را شامل می‌شود که شرط اساسی کنش سیاسی مردم، چه به شکل خود سازمانی در جامعه و چه کسب نفوذ و تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت است. درست است که این حقوق، به عنوان بخشی از حقوق کلی بشر برای افراد محفوظ است، ولی ارزش آنها در کار جمعی آنهاست. یعنی پیوستن به دیگران و تلاش برای هدف‌های مشترک، مبارزه گروهی، تأثیر بخشی بر افکار عمومی و غیره. پس نباید چنین تصور شود که حقوق فردی لزوماً با هدف‌ها یا تصمیم‌گیری‌های جمعی و نظارت مردم بر دولت تنافری دارد، چرا که این حقوق، پایه‌های اساسی چنین قدرتی را برای جامعه فراهم می‌آورد.^{۵۳}

۷_ اصل نظارت همگانی:

منظور از نظارت همگانی این است که همه مردم بنا به اصل برابری ارزشی و حق حاکمیت برابر اعمال قدرت از طرق مختلف امکان و توانایی یا فرصت برابر جهت نظارت، کنترل و ارزیابی اقدامات و تصمیمات نمایندگان خود را داشته باشند، حاکمان نیز همواره خود مکلف به پاسخگویی در برابر مردم باشند. «هدف غایی از این نظارت، تحقق و صیانت از حقوق و آزادی‌های شهروندی، جلوگیری از استبداد و خودکامگی حاکمان و اصل پاسخگویی دولت در برابر مردم می‌باشد و نظارت از این جهت ضروری است که موجب هدایت و راهنمایی حاکمان توسط مردم می‌شود و نظارت عمومی و همگانی می‌تواند از بروز مشکلات ناشی از اشتباهات حاکمان جلوگیری کند. همچنین امکان نظارت از طریق حضور مستمر مردم در صحنه‌های سیاسی ایجاد دلگرمی نموده و این الگو، موجب استحکام پایه‌های حکومت و تسهیل در اجرای عدالت خواهد شد».^{۵۴} زمانی می‌توان ادعا نمود که نظام دموکراتیک واقعی با انتخابات آزاد، منصفانه و اصیل در جامعه سیاسی وجود دارد که مردم علاوه بر این که در گزینش فرمانروایان از آزادی اراده و گزینش آگاهانه برخوردار هستند، می‌بایستی امکان نظارت همگانی بر فرآیند تصمیم‌گیریها، نظیر: فرآیند انتخابات به طرق مختلف مستقیم، واسطه‌ای و سازمانی و حکومتی وجود داشته باشد. به هر میزانی که امکان نظارت همگانی بر فرآیند انتخابات فراهم گردد، به همان میزان اعتماد و اطمینان مردم نسبت به مشروعیت انتخابات بالاتر و اعتبار، قطعیت و اصالت انتخابات نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین، اصل نظارت همگانی از پیش شرط‌های اصیل و ارزشی نظام انتخابات دموکراتیک محسوب می‌شود که می‌بایستی در قانون اساسی به طور کلی و در قوانین انتخابات به طور جزئی سازماندهی گردد.

^{۵۳} - بیتنام، دیوید و بویل کوهن، پیشین، ص ۵۴.

^{۵۴} - هاشمی، سید محمد، «جامعه مدنی و نظام سیاسی» پیشین، ص ۹۸.

ب _ اصول کارآمدی و رویه‌ایی

بی‌شک اصول ارزشی و بنیادین نظام سیاسی بعد از نظریه‌پردازی، موجه‌سازی و پذیرش توسط عموم و حاکمان، اگر بدون راهبرد عملی و اجرایی شدن باقی بماند، در حقیقت نقض آن اصول محسوب می‌شود. لذا تعبیه کردن مسیرها و کانالهای بروز و ظهور خارجی آنها امری ضروری است و نیازمند اصول و تدابیر کارآمد و مؤثری است. البته باید اصولی باشد که واقعاً بتواند پوشش‌دهنده عملی آنها باشد نه این که در مسیری طراحی شود که اصول ارزشی را بیهوده و یا برعکس جلوه نماید. مهمترین شرط تعبیه نمودن این اصول این است که کیفیت و کمیت مشارکتهای گوناگون عموم را در فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی و اعمال قدرت افزایش دهد. همچنین موجب تأمین حداکثر منافع و مصالح عمومی گردد. منظور از این اصول این است که «در یک نظام مردم‌سالار تصمیم‌ها، سیاست‌ها و قوانین و برنامه‌های حکومتی از یک فرآیند تکثرگرا و مشارکتی تبعیت نماید».^{۵۵}

۱ _ اصل منصفانه بودن انتخابات:

انتخابات دمکراتیک، انتخاباتی است که بر اساس رأی و خواست آزادانه مردم شکل گرفته و آزاد و منصفانه بودن دو شاخصه اصلی آن باشد. مفهوم آزاد بودن، تا حدی در اصول ارزشی و ماهوی مشخص گردیده، اما شاید نتوان مفهوم یا تعریف جامعی از انصاف ارائه نمود. در بیانی ساده از انصاف^{۵۶} می‌توان عنوان نمود که «به معنای بی‌طرفی است. لذا انصاف هم شامل نظم و قاعده (یعنی اجرای غیرجانبدارانه قوانین) و شامل عقلانیت^{۵۷}، یعنی توزیع برابر منابع مربوطه میان ذی‌نفعان می‌باشد».^{۵۸} بر این اساس، منظور از منصفانه بودن انتخابات، این است که زمینه اجرایی و بستر انتخابات بطور غیرجانبدارانه و عاقلانه، آماده و قابل دسترس برای همه رأی‌دهندگان، احزاب و کاندیدها باشد و «یک سطحی برابر و معقول رقابت برای مشارکت آگاهانه و آزادانه برای کلیه بازیگران در فرآیند انتخابات فراهم شود».^{۵۹} بعد منصفانه بودن انتخابات، جنبه‌های مختلفی از بی‌طرفی فرآیند انتخابات منعکس می‌نماید. «انصاف یک پروسه انتخاباتی مورد نقض واقع می‌شود، هر زمانی که با یکی از بازیگران انتخابات به طور مستقیم یا غیر مستقیم

^{۵۵} - زارعی، محمد حسین، *جزوه درسی حقوق اساسی (۲)*، پیشین، ص ۲۱ و زارعی، محمد حسین، «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۰، پائیز و زمستان ۱۳۸۳، صص ۲۰۲-۱۵۵.

^{۵۶} . Fairness.

^{۵۷} . Reasonableness.

^{۵۸} . Elklit, Jorgen and Svehsson, Palle, "What Makes Election Free and Fair?", *Journal of Democracy*, 8. 3. (1997), p.35.

^{۵۹} . Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR), *Election Observation Handbook*, Warsaw, Poland, 1997, p.15. www.oscepray.cz/institution/odih/odih.htm.

از طرف سایر عوامل سیاسی در شیوه‌هایی که بر نتایج انتخابات، به طور منفی تأثیر گذار باشد، رفتار شود.^{۶۰} بنابراین، مفهوم انصاف در انتخابات دربرگیرنده نظم و قاعده‌ایی است که خود مستلزم این می‌باشد که مقررات در شیوه‌ایی منظم، غیرمتعصبانه و غیر جانبدارانه اجرا شود و همچنین دربردارنده عقلانیت می‌باشد، به نحوی که با همه رقبای سیاسی به شیوه معقول و عادلانه و منطقی رفتار شود. پس قاعده‌مند بودن و عقلانیت دو مؤلفه و عنصر اصلی مفهوم اصل منصفانه بودن انتخابات می‌باشند. شاخصه‌های منصفانه بودن انتخابات را می‌توان در حوزه‌های مختلفی از انتخابات تصور نمود:^{۶۱}

۱-۱- قبل از رأی‌گیری: ۱- شفافیت در فرآیند انتخابات (شامل مجموعه قوانینی برای عمومی کردن اطلاعات لازم) ۲- عدم وجود هرگونه امتیاز خاص برای هر حزب یا گروه اجتماعی در نظام انتخاباتی ۳- وجود کمیسیونهای بی طرف و مستقل انتخاباتی ۴- تعیین و توزیع حوزه‌های انتخاباتی متناسب و عادلانه ۵- عدم وجود موانع نامعقول برای ثبت نام انتخاباتی ۶- ثبت نام بی طرفانه رأی‌دهندگان و فرآیند آموزش و تعلیم مفید رأی‌دهنده ۷- رفتار بی طرفانه با احزاب و کاندیداها توسط نیروهای امنیتی، پلیسی و دادگاه و منطبق با قانون ۸- دسترسی برابر احزاب و کاندیداها به رسانه‌های خصوصی و عمومی ۹- دسترسی برابر رأی‌دهندگان به اطلاعات رأی‌دهنده و مسائل مربوط به فرآیند انتخابات ۱۰- عدم سوء استفاده از امکانات دولتی برای فرآیند تبلیغات ۱۱- تقسیم و توزیع شفاف و بی طرفانه منابع مالی عمومی به احزاب و کاندیداها.

۱-۲- روز انتخابات: ۱- دسترسی به همه مراکز رأی‌گیری برای نمایندگان معتبر و دارای مجوز احزاب سیاسی و کاندیداها ۲- طرح بی طرفانه و کارآمد برگه‌های رأی ۳- طرح جعبه‌های رأی محکم که بتواند در مقابل تلاشهای مداخله‌جویانه مقاومت نماید ۴- کمک بی طرفانه به رأی‌دهندگان (در صورت لزوم) ۵- فرآیند شمارش آراء شفاف، متناسب، مقتضی و رویه‌هایی برای شمارش دقیق و کامل ۶- رویه‌های شفاف برای نحوه برخورد با برگه‌های رأی نامعتبر ۷- اقدامات احتیاطی مناسب، هنگام انتقال امکانات انتخاباتی ۸- حفاظت مؤثر از محلهای رأی‌گیری.

۱-۳- بعد از رأی‌گیری: ۱- رسیدگی سریع و به موقع و بی طرفانه به اعتراضات و شکایات انتخاباتی ۲- ارائه گزارشهای غیرجانبدارانه توسط رسانه‌ها از نتایج انتخابات ۳- پذیرش نتایج انتخابات توسط همه بازیگران ۴- استقرار افراد برنده و تحصیل کرسیهای پارلمان برای آنها.

^{۶۰} . Rose, Richard and Others, p.13.

^{۶۱} . Ibid, p.131-134

شفافیت دارای این مفهوم است که اخذ تصمیمات و اجرای آنها در یک نهاد و سازمان مطابق قوانین، مقررات، صلاحیتها و کنترل‌های خاص انجام شود و همچنین بدان معنا است که اطلاعات به صورتی آزاد، منسجم در دسترس کسانی قرار گیرد که تحت تأثیر چنین تصمیماتی یا اجرای آنها قرار گرفته‌اند و این که اطلاعات کافی آماده شده و در رسانه‌ها و در اشکال ساده و قابل فهم ارائه گردد.^{۶۲} از این رو، شفافیت در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات، ابهام و عدم قطعیت را کاهش می‌دهد و در جلوگیری و کاهش فساد بین اجزای یک نظام نقش بسزایی دارد.

کاربرد اصل شفافیت در انتخابات، زمینه تحقق انتخابات آزاد و منصفانه و اصیل را ایجاد می‌کند. به طوری که با باز و شفاف بودن فرآیند اتخاذ تصمیمات انتخاباتی برای مردم «نوعی احساس اعتماد به صحت و سلامت تصمیمات انتخاباتی و سیاسی برای مردم ایجاد می‌شود».^{۶۳} در انتخابات ممکن است مشکلات و تخلفات عمده‌ایی اتفاق بیافتد، نظیر ارباب رأی‌دهندگان از رأی‌دادن یا به نفع شخص یا حزب خاص رأی‌دادن، سوء استفاده از آراء ناتوانان، تعویض جعبه‌های رأی قبل از شمارش یا پر کردن آنها قبل از رأی‌گیری، تخلف از شمارش آراء و غیره.^{۶۴} راه‌حل رفع این مشکلات متنوع، برقراری زمینه شفافیت در انتخابات است. چرا اگر کلیه مراحل انتخابات مطابق قانون و به طور آشکار و روشن با حضور کلیه بازیگران انجام و تحت کنترل و نظارت آنها صورت گیرد امکان تخلفات و سوء استفاده‌ها را کاهش می‌دهد. اصل شفافیت در قلمرو انتخابات جنبه‌های مختلفی به خود می‌گیرد: «۱- شفافیت این امکان را برای بازیگران انتخابات فراهم می‌آورد تا تمام جنبه‌های مختلف انتخابات از تدوین و پیشنهاد قوانین انتخاباتی، گزینش مدیران انتخابات تا تنظیم نتایج نهایی انتخابات و حل و فصل منازعات، مورد بازبینی و ارزیابی یا اعتراض و شکایت قرار دهند. ۲- همچنین به عموم اجازه می‌دهد تا کلیه مراحل انتخابات را مشاهده کنند که این امکان از طریق رسانه‌ها، ناظران، نهادهای مدنی، احزاب و غیره صورت می‌گیرد».^{۶۵} ۳- همچنین فرصتی را در اختیار کلیه منتقدین، مخالفین و حتی ناظران داخلی و بین‌المللی قرار می‌دهد تا از نحوه تصمیم‌گیری و مطابقت عملکردها با قوانین مطلع شوند. در مجموع، شفافیت در فرآیند انتخابات، اعتماد و اطمینان خاطر عموم از صحت و سلامت

^{۶۲} - مرکز مطالعات و آموزش سازمانهای جامعه مدنی ایران «حکومت‌گری مطلوب چیست؟»، *نشریه داوطلب*، شماره ۱۶ و ۱۷، ص ۱۶.

^{۶۳} King, Richard, "The Election Transparency", 2006. www.Verified voting foundation.org/download/ETScoredlec.pdf.

^{۶۴} . Source Book, "Free and Fair Election", 2000. www.advancement project.org/pdfs/APKAT-guides.pdf.

^{۶۵} . Merloe, Patrick, "Democratic Election", National Democratic Institute, 1994. www.NDI.com/Democratic/doc.1994.htm.

انتخابات را افزایش می دهد و موجب کنترل مسوولین و مأموران انتخابات به منظور عمل کردن در انطباق با قوانین می گردد. از این رو، میزان و درجه مشروعیت انتخابات نیز افزایش می یابد.

۳_ اصل پاسخگویی:

هدف اصلی پاسخگویی در نظام مردم سالار، کنترل قدرت سیاسی و افزایش امکان نظارت مردمی (مستقیم و غیر مستقیم) بر اجرای قدرت و صلاحیتهای اعطایی به نمایندگان مردم است.^{۶۶} چنانچه این پاسخگویی و نظارت نباشد، درک و فهم این که حکومت در راستای منافع عمومی حرکت می کند یا خیر؟ مشکل و مبهم می شود، «لذا ارتباط منطقی بین دموکراسی و اصل نمایندگی این است که بر اساس تفکر نظام دمکراتیک، حکومتها نماینده مردم تلقی می شوند. چرا که آنها منتخب شهروندان هستند، حال چنانچه انتخابات به طور آزاد و منصفانه برگزار شود به طوری که با مشارکت همگانی و با بهره مندی کامل شهروندان از حقوق سیاسی و انتخاباتی توأم باشد، پس حکومت می بایستی به بهترین نحو ممکن در راستای منافع مردم حرکت نماید».^{۶۷}

انتخابات دارای کارکرد پاسخگو نمودن حکومت و نمایندگان می باشد و آنها به موجب انتخابات ضمن نمایندگی مردم، پاسخگوی اقدامات و تصمیمات خود در برابر مردم می باشند. به خاطر این که نمایندگان توانایی پیش بینی مطالبات و قضاوتهای رأی دهندگان را دارند، لذا مکلف به گزینش و انتخاب قوانین و سیاستهایی هستند که بتوانند نظر مردم را در انتخابات بعدی جلب نمایند.^{۶۸} به عبارتی، پس از انتخابات نمایندگان بر اساس دیدگاه و صلاحدید خود، اقدام به اتخاذ تصمیمات و وضع قوانین می نمایند، اما باید قوانین و سیاستها در جهتی باشند که بتوانند آنها را برای مردم توجیه عقلانی نمایند و آنها را در مسیر تأمین منافع عمومی قلمداد کنند تا بتوانند با کسب رضایت مردم همچنان امیدوار باشند تا در انتخابات بعدی هم رأی و نظر مثبت مردم را کسب کنند. بر اساس این دیدگاه، «ساده ترین نقش انتخابات، ارزیابی دولت وقت است. شهروندان با نظارت بر نحوه اجرای قدرت بهدطور مستقیم و غیرمستقیم، تصمیم می گیرند که آیا نمایندگان را در انتخابات بعدی انتخاب نمایند یا خیر؟».^{۶۹} «در نظام انتخابات

^{۶۶} . Rose, Richard (Editor in chief) and Others, p.3.

^{۶۷} . Manin, Bernard and Others, "Election and Representation", *Democracy, Accountability and Representation*, Edited by: Adam Przeworski and Others, (Cambridge: Cambridge University Press, 1999), p.29.

^{۶۸} . Ibid.

^{۶۹} . Powell, IR. G. Bingham, , p.11.

دمکراتیک، به جهت این که نمایندگان منتخب مردم هستند، می‌بایستی پاسخگویی آنها باشند.^{۷۰} این پاسخگویی هم در فرآیند انتخابات موضوعیت دارد و هم بعد از انتخابات در قبال تصمیمات و اقداماتی که در جهت تأمین منافع و خدمات عمومی توسط آنها اتخاذ می‌شود. اما در فرآیند انتخابات آنچه مهم است این که، کلیه تصمیمات و اقداماتی که در جهت برگزاری انتخابات توسط نهاد مدیریت انتخابات گرفته می‌شود، باید به طور آشکار و روشن اتخاذ شود و مکانیزمهای فرآیند انتخابات به گونه‌ای طراحی شود که مردم از دلایل و مبانی آن تصمیمات و اقدامات مطلع شوند که این اطلاع مردم می‌تواند به طور خودکار توسط مدیریت انتخابات و یا به تقاضای شهروندان بالاخص موقع اعتراض و شکایات انتخاباتی تأمین شود. در نهایت این که، اعتبار و سلامت انتخابات وابسته به توجهات عقلی و منطقی و میزان درجه پاسخگویی از طرق مختلف توسط نهاد مدیریت انتخابات به مردم می‌باشد.

۴_ اصل دسترسی به اطلاعات:

حق آگاهی و دسترسی به اطلاعات، در مفهوم مضیق آن، آزادی در جستجوی اطلاعات می‌باشد. در مفهوم موسع آن، حق دسترسی به اطلاعات یا حق دریافت و انتقال اطلاعات است.^{۷۱} داشتن اطلاعات لازم توسط شهروندان، نقش مهمی در مشارکت آگاهانه آنها و در حقیقت ابراز خودشکوفایی و حق‌های بنیادین آنها می‌باشد. واضح و مبرهن است که بدون دانش و آگاهی لازم، انسان نمی‌تواند تواناییهای بالقوه خود را بالفعل نماید و عملی شدن استعدادها و تواناییهای شهروندان در اداره امور خصوصی و اجتماعی وابسته به دانش و اطلاعات مقتضی است. در این راستا، عملی شدن حق‌های بنیادین انتخابات منوط است به این که مردم آگاهی کامل از فرآیند قبل، در حین و بعد از انتخابات داشته باشند تا انتخاباتی واقعی و اصیل رقم بخورد. چنانچه مردم با اطلاعات کامل از جریان انتخابات وارد فرآیند انتخابات شوند، نتیجه آن خواهد شد که نمایندگان شایسته‌تر و با لیاقت‌تر وارد پارلمان می‌شوند. به منظور تحقق این مهم، لزوم تصویب قانون آزادی دسترسی به اطلاعات و روشن نمودن تکلیف و وظایف دولت و کلیه بخشهای ذی‌ربط به ارائه اطلاعات از طرق مختلف آموزشهای مدنی و انتخاباتی از سوی دولت و نهادهای غیردولتی، ارائه اطلاعات جامع و دقیق از فرآیند انتخابات توسط مدیریت انتخابات به رأی‌دهندگان طبق قوانین و مقررات، امری واجب و ضروری جلوه می‌نماید.

۵_ اصل رأی همگانی، عام و برابر:

^{۷۰} . Mainwaring, Scott, Wilma, Christopher, *Democratic Accountability in Latin America*, (Oxford: Oxford University Press, 2003), p. 3.

^{۷۱} - حبیبی، محمد حسن، «بررسی حق آگاهی مردم به عنوان حق اساسی»، *نشریه حقوق اساسی*، سال اول، شماره ۱، پاییز، ۱۳۸۳، ص ۶۶.

همانطور که می‌دانیم پایه و اساس نظام دمکراسی، مشارکت مردم در تصمیم‌گیریهای اجتماعی و سیاسی است و در پرتو حق مشارکت همگانی مردم است که حکومت‌های انتخابی و مردم‌سالار ایجاد می‌شوند. با پذیرش حق مشارکت مردم که خود بر پایه برابری ارزشی انسانها است، باید قائل به حق برابر و عام برای همه شهروندان شویم. «واقعیت این است که اداره امور جامعه دربرگیرنده تمامی افراد آن جامعه و ایجاد کننده حق و تکلیف برای همه آنها است. اگر هدف اصلی راه، اداره جامعه و استقرار نظم و امنیت و تأمین عدالت برای همه افراد بدانیم که در آن زندگی می‌کنند، به نظر می‌رسد که این نفع عمومی مبین اشتغال فکری و مستلزم مشارکت و مسوولیت همگان در زندگی مشترک و جمعی باشد. به این ترتیب، تحقق دمکراسی در مفهوم منطقی خود وقتی است که افراد مردم، به طور کمی و کیفی، حق مشارکت در اداره امور عمومی را دارا باشند».^{۷۲} در حال حاضر اصل همگانی و برابر بودن انتخابات کاملاً پذیرفته شده است. این اصل به درستی توسط موریس دوورژه استاد شهیر فرانسوی به عنوان اساس مشروعیت قدرت لحاظ شده است. زیرا با مشارکت تمام شهروندان در انتخابات، تحت شرایطی عام و برابر برای همه، حاکمیت ملی به معنای واقعی تحقق می‌یابد.^{۷۳} در صورتی می‌توان مدعی همگانی بودن انتخابات شد که حق رأی به تمام شهروندان بدون تبعیض اعطاء شود. بدیهی است که رسیدن به این نقطه از همگانی بودن رأی به آسانی حاصل نشده است.^{۷۴} در خصوص برابر بودن رأی که مکمل همگانی بودن حق رأی است، باید عنوان نمود که منصفانه بودن انتخابات وابسته است به این که حق رأی هر شخصی، عیار و ارزش برابر با سایر افراد داشته باشد و هیچ‌گونه امتیاز خاصی یا رأی اضافه بنا به موقعیت ممتازه یا طبقه خاص داده نشود و هر کسی در هر وضعیتی، رأی‌اش دارای ارزش برابر با سایرین باشد، به عبارتی «یک شخص، یک رأی».^{۷۵} قاعده مذکور دربردارنده رفع هرگونه تبعیض در ارزش و اعتبار و میزان تأثیرگذاری بر انتخاب کاندیداها و احزاب می‌باشد.

۶_ اصل رقابتی بودن انتخابات:

در واقع، رقابت سالم و آزاد و منصفانه در فرآیند انتخابات برای همه بازیگران، یکی از اصول مؤثر و کارآمد تحقق و تحکیم نظام دمکراتیک است. «انتخابات رقابتی به رأی‌دهندگان اجازه می‌دهد تا مقامات سیاسی و

^{۷۲} - هاشمی، سید محمد، *حقوق بشر و آزادیهای اساسی*، پیشین، ص ۴۲۰.

^{۷۳} . Duvejer. (m), *Institutions Politiques et Droit constitutionnel*, Tome 2, Paris, L.G.D.J, 1976,

به نقل از: تقی زاده، جواد، «تاملی بر حق رای در حقوق ایران با نگاهی بر حقوق فرانسه»، *نشریه حقوق اساسی*، سال اول

شماره ۱، پاییز ۱۳۸۳، ص ۳۵

^{۷۴} - همان.

^{۷۵} . Center for Human Right, *Human Rights and Election: Handbook on the Legal, Technical and Human Rights Aspects of Elections*, (United Nation: Geneva, Switzerland, 2004), p.5.

تصمیم گیرندگان سیاستها و خط‌مشی‌ها را در یک فضای کثرت‌گرا و چند حزبی آزاد و منصفانه انتخاب کنند. در انتخابات نیمه رقابتی یا غیر رقابتی، آزادی‌گزینش و رقابت منصفانه وجود ندارد و به طور وسیعی دچار محدودیتهای مختلفی می‌باشد و رأی‌دهندگان آگاهانه امکان و توان‌گزینش افراد لایق را ندارند. لذا اصطلاح «رقابتی بودن» در یک انتخابات آزاد و منصفانه، نقطه مقابل غیر رقابتی یا نیمه رقابتی است.^{۷۶}

به نظر می‌رسد که مبنای اصلی رقابتی بودن انتخابات، به حق رأی عام، برابر و همگانی برگردد.^{۷۷} به علت این که این امکان برای افراد و شهروندان وجود داشته باشد تا به تناسب عقاید و تفکرات خود، خواهان عضویت در احزاب و گروههای سیاسی یا حمایت از آنها نمایند. لذا چارچوب حقوقی و نظام سیاسی باید امکان بروز فعالیت گروهها و احزاب مختلف را فراهم نماید. رقابت انتخاباتی زمانی مفهوم خود را کاملتر می‌نماید که «احزاب و کاندیداهای مخالف توانایی و امکان استفاده از آزادیهای مختلف، نظیر آزادی بیان، اجتماعات، گردهمایی، دسترسی به اطلاعات ثبت نام، انجام فعالیتها و مبارزات انتخاباتی، دریافت منابع و کمکهای مالی دولتی را داشته باشند. انتخاباتی که در آن مخالفین از دسترسی به رسانه‌ها و مطبوعات یا منابع دولتی منع شوند، مورد حمله یا ارباب و تهدید قرار گیرند، دمکراتیک نیست».^{۷۸} مؤلفه‌های اصلی رقابتی بودن انتخابات عبارت می‌باشند از:^{۷۹} الف- آزادی کاندیداتوری ب- وجود رقابت اصیل انتخاباتی ج- فرصت برابر برای احزاب و کاندیداها د- آزادی رأی دادن و رأی‌گیری ه- فرآیند تصدیق صحت برگه رأی و شمارش آراء و- وجود نظام انتخاباتی کارآمد ز- برگزاری انتخابات دوره‌ای ک- آیا واقعاً رأی‌دهندگان تعیین‌کننده برنده انتخابات می‌باشند؟

۷_ اصل مخفی بودن رأی:

رأی‌گیری در فضای مناسب با حفظ حریم خصوصی افراد و به دور از هر گونه کنترل، لازمه انتخاب و گزینش آزاد می‌باشد و در واقع مخفی بودن آراء، مبتنی بر حفظ کرامت، حرمت، خودمختاری و آزادی فرد و حق حریم خصوصی است و اینکه انسان مستقل از دیگران می‌تواند دست به گزینش و انتخاب ترجیحات خود بزند. البته باید عنوان نمود که فلسفه مخفی بودن آراء حفظ و صیانت از آزادی اراده و تصمیم فرد است، لذا می‌تواند به صورت مخفی بیان شود. یعنی طوری بیان شود که به دور از هرگونه فشار، تهدید و ارباب و دخالت و نفوذ ناروای دیگران

^{۷۶} . Rose, Richard, and Others, p.43.

^{۷۷} . OSCE, "Election Principles and Exiting Commitment for Democratic Elections", Hofburg, Vienna, 2004. [www. OSCE.org/document/odihr/2004/07/3315-en.pdf](http://www.OSCE.org/document/odihr/2004/07/3315-en.pdf).

^{۷۸} . Forgin Affairs Administer of USA, "What Is Democracy". www.usinfo.sate.gov.com.

^{۷۹} . Rose, Richard and Others, pp.43-44.

باشد. منتسکیو معتقد بود در صورت آشکار بودن محتوای رأی، «مردم عادی می‌توانند بهتر از راهنمایی سرشناسان و خبرگان برای انتخابهای درست و تصمیمات سنجیده بهره‌گیرند و یا برخی دیگر (روبسییر، انقلابی تندرو فرانسوی) علنی بودن رأی را وسیله‌ایی برای گسترش شجاعت مدنی شهروندان می‌دانند».^{۸۰}

۸_ اصل دوره‌ایی بودن انتخابات:

همانطور که قبلاً عنوان شد، حاکمیت در اصل متعلق به مردم می‌باشد و حکومت مشروعیت خود را از رضایت مردم می‌گیرد و این که به منظور جلوگیری از استبداد و خودکامگی و مطلق‌گرایی حکومت، مردم باید توانایی تغییر یا جابجایی حکومت و امکان نظارت بر آن را داشته باشند. لذا جهت حفظ این اصول ارزشی ایجاب می‌نماید که حکومتها به طور محدود و نه دائم، اداره و امور عمومی را به دست گیرند و انتخابات به طور دوره‌ایی و در فواصل معقول برگزار گردد.

۹_ اصل مستقیم بودن رأی:

انتخاب نمایندگان پارلمان می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم صورت گیرد. در صورت اول، رأی‌دهندگان بدون واسطه نمایندگان خود را برمی‌گزینند و در روش دوم، رأی‌دهندگان در ابتدا افرادی را انتخاب می‌کنند که این افراد از بین خود یا از بین دیگر افراد، به گزینش نمایندگان اقدام می‌نمایند. انتخابات اکثر پارلمانها به صورت رأی مستقیم برگزار می‌شود. رأی مستقیم بدان معنی است که «شهروندان در انتخابات مستقیماً به کاندیدا یا لیست احزاب بطور مثبت یا منفی (عدم انتخاب) رأی دهند».^{۸۱} انتخابات مستقیم به نظر منصفانه‌تر باشد، چرا که رأی‌دهندگان بی‌واسطه اقدام به گزینش نمایندگان مطلوب خود می‌کنند و احتمال رقابتهای منفی حزبی یا توافقات منفعت‌طلبانه هیأت‌های واسطه‌ایی در رأی غیرمستقیم کاهش می‌یابد.

۱۰_ اصل اختیاری بودن:

بر اساس ارزشهای بنیادین آزادی و مختاریت انسان و حق تعیین سرنوشت، رأی دادن باید اختیاری باشد نه اجباری. اما از طرف دیگر، زندگی و زیست جمعی نیازی اساسی است و به جهت حفظ صلح، ثبات و برقراری نظم و تأمین منافع عمومی که تأمین‌کننده منافع شخصی و خصوصی است، شهروندان مکلف به رأی‌دادن می‌باشند. در این خصوص دو نظریه وجود دارد: «بر اساس نظریه حق بودن رأی، که متأثر از نظریه حاکمیت تقسیم شده روسو

۳۵ - قاضی، ابوالفضل، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، ج اول، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ چهارم، ۱۳۷۲)، ص ۷۰۱.

^{۸۱} Council of Europe, "Draft Convention on the Election Standards, Election Rights and Freedoms", November 16, 2004. <http://www.legislationline.org/legislation.php?tid11&lid4778>.

می‌باشد، شرکت در انتخابات اختیاری است، اما مطابق با نظریه کارویزه‌ایی حق رأی، حق حاکمیت متعلق به ملت می‌باشد و شرکت در انتخابات به عنوان یک وظیفه شهروندی و قانونی، اجباری است».^{۸۲}

۱۱_ اصل اصیل بودن انتخابات:

انتخابات اصیل و واقعی، انتخاباتی است که منعکس کننده اراده آزاد مردم باشد. انتخابات دروغین، سرپوش گذاردن بر اختلافات و تنش‌های داخلی با توجیحات غیر واقعی، سرکوب مخالفان، ارباب و تطمیع عده‌ایی جهت رأی دادن به افراد، کاندیداها یا احزاب خاصی، حکایت از عدم اصالت انتخابات دارد.^{۸۳} انتخابات باید به گونه‌ایی برگزار شود که زمینه انتقال قدرت را آن طور که مردم با ترجیحات خود اراده نموده‌اند، صورت گیرد و این انتقال واقعی و اصیل نخواهد بود، مگر این که با حضور همه احزاب حاکم و رقیب و مخالف و سایر مولفه‌های انتخابات آزاد و منصفانه باشد و همچنین انتخابات باید بر اساس اصول و ضوابط قانونی و با رعایت اصل حاکمیت قانون برگزار گردد. به عبارتی، انتخابات تابع حاکمیت قانون نه اراده دلبخواهانه افراد به ویژه تابع خواسته‌های حزب حاکم باشد. ملاکهای سنجش اصالت انتخابات به طور خلاصه عبارتند از: ۱_ گزینش واقعی ۲_ دسترسی برابر به خدمات عمومی ۳_ گزینش آگاهانه.

۱۲_ اصل سلامت انتخابات:

شاید ارائه تعریف خاصی از سلامت انتخابات مشکل باشد، اما یک مؤلفه ضروری انتخابات، دمکراتیک می‌باشد. سلامت انتخابات وجه تضمینی برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه می‌باشد که بدون نظام دمکراتیک به صلح و ثبات نخواهد رسید. لذا «سلامت انتخابات یک سری از عناصر و استانداردهایی مبتنی بر اصول دمکراتیک و اقدامات و مکانیزم‌هایی برای حمایت از اصول ارزشی انتخابات آزاد و منصفانه است».^{۸۴} عناصری که می‌تواند نشان‌دهنده یا تأمین کننده سلامت انتخابات باشند عبارتند از: ۱_ اصل صحت و دقت ۲_ اصل امنیت ۳_ اصل قطعیت ۴_ اصل معتبر بودن پنجم_ اصل اعتماد عمومی.

ج_ اصول تشکیلاتی و سازمانی

هر نظام سیاسی بسته به محتوا و نظام ارزشی موجود در جامعه، برای انجام وظایف عمومی و اداره امور کشور قالب و ساختار خاصی به خود می‌گیرد. بی‌شک، نیاز به حکومت و نهادهای سیاسی و سازمانی جهت اجرای

^{۸۲} - قاضی، ابوالفضل، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، پیشین، ص ۶۸۵.

^{۸۳} . Harris, David, *The International Convention Civil and Political Rights and United Kingdom Law*, (Oxford: Clarendon Press, 1995), p.553.

^{۸۴} . Elklit, Jorgen, p.36.

اعمال حکومتی و تأمین منافع عمومی، اصلی پذیرفته شده در فلسفه سیاسی و حقوق عمومی است. اما در خصوص این که چه ساختارها، سازمانها و نهادهایی می‌بایستی در جامعه وجود داشته باشند و به چه نحوی و بر اساس چه نگرشی انجام وظیفه کنند، همواره متأثر از برداشتها و قضاوت‌های مختلف در جوامع بوده است. پس از نهادینه شدن هنجارها و ارزشها در جامعه و تعیبه نمودن اصول کارآمدی مناسب در جهت اجرایی شدن آنها نیازمند تضمینات مقتضی و عملی به منظور ایجاد یک نظام شایسته مردم‌سالار می‌باشد. بدون تضمینات عملی و عینی، هنجارها و ارزشهای نهادین شده صرفاً در مرحله نظری و تئوری باقی می‌مانند. لذا جهت پوشش دادن و تضمین نمودن اصول ارزشی و ماهوی و کارآمدی و رویه‌ایی، اصول ساختاری و سازمانی را نیز طراحی می‌کنیم. بدین معنا که «تحقق یک نظام مردم‌سالار باید با تضمین‌های ساختاری و سازمانی همراه باشد. ساختارها، سازمان‌ها و تشکیلات حکومتی یا مدنی به گونه‌ایی ایجاد و فعالیت نمایند تا ضامن اجرای شاخصه‌های فرایندی و ماهوی و ارزشی دموکراسی باشند».^{۸۵}

۱_ اصل تفکیک قوا:

اندیشه تفکیک قوا گامی مؤثر در جهت محدود کردن یا کاهش قدرتهای استبدادی و خودکامه و حرکتی مثبت و سازنده در مسیر تثبیت نظام مردم‌سالار بوده است. در واقع، هسته اصلی این اصل تدبیری اساسی برای جلوگیری از تمرکز قدرت سیاسی در دست یک فرد یا یک گروه از فرمانروایان و پرهیز از استبداد و خودکامگی و حفظ و پاسداری از حقوق و آزادیهای شهروندان است.

با روشن شدن جایگاه این اصل در نظام سیاسی، اکنون می‌توان به کاربرد آن به عنوان یک نهاد تضمینی اصول ارزشی و رویه‌ایی نظام انتخابات دمکراتیک سخن گفت. چرا که این اصل با نگرش انجام بهتر وظایف حکومت، جلوگیری از خودکامگی حاکمان، حفظ حقوق و آزادیهای مردم بنا نهاده شده است و در حقیقت حافظ ارزشهای مردمی است و از طرفی مشروعیت حکومت وابسته به رضایت و اراده آزاد مردم است، پس در نظام مردم‌سالار و شایسته باید متوسل به ابزارها و مکانیزمهای تضمینی شویم که پاسدار اراده آزاد مردم و حق تعیین سرنوشت و حفظ نظارت آنها بر روند اداره امور کشور باشد. با برقراری اصل تفکیک قوا بیم استبداد و خودکامگی و اقتدارگرایی و پنهان کاری و ذینفع بودن نهادهای انتخاباتی تا حدودی از بین می‌رود. به جهت این که نهاد مدیریت انتخابات تحت کنترل نهادهای مختلف قرار می‌گیرد و چه بسا دارای ترکیب مختلط و متشکل از قوای مختلف باشد. در چنین صورتی اگر تصمیمات خودسرانه و برخلاف قانون توسط این نهاد اتخاذ شود، توسط گروهها و قوای دیگر

^{۸۵} - زارعی، محمد حسین، *جزوه درسی حقوق اساسی (۲)*، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، نیمسال اول ۸۴-۱۳۸۳، ص ۳۱.

مورد نظارت و کنترل قرار می‌گیرد. بیشترین توجه به این اصل تضمینی برای برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه این است که پوشش‌دهنده اصل نظارت همگانی از طریق قوای حاکم و امکان بی‌طرفی بیشتر می‌باشد. این تصور که قانون انتخابات توسط قوه مقننه وضع، توسط مجریه و سایر نهادهای اجرایی، اجراء و توسط قوه قضائیه و نهادهای واسطه‌ایی و مدنی مورد نظارت واقع شود، می‌توان به حفظ ارزش آزادی و حقوق سیاسی مردم و کنترل قدرت سیاسی امیدوار بود.

۲_ استقلال قضایی:

همانطور که می‌دانیم در نظام تفکیک قوا، قوه قضائیه ضامن و تأمین‌کننده سلامت اجرای قوانین است و به نوعی حافظ ارزشهای بنیادین و اساسی و حق‌های شهروندان و عملی نمودن صلح، ثبات و عدالت از طریق حل و فصل دعاوی و اختلافات در جامعه باشد. بی‌شک، انجام این وظیفه خطیر، بالاخص اجرای عدالت، نیازمند قضات عادل، نظام قضایی شایسته، وجود قوانین و مجازاتهای عادلانه، رعایت اصول عدالت‌گیری و غیره می‌باشد. مفهوم استقلال قضایی: بررسی مفهوم استقلال قضایی و رعایت اصول و موازین اصل تفکیک قوا مستلزم بررسی دو بعد این اصل می‌باشد که شامل: استقلال دستگاه قضایی و استقلال رفتار قاضی است.

۱-۲- استقلال دستگاه قضایی: منظور این است که قوه قضائیه چون وجه تضمین حقوق و آزادیهای مردم و در مقام اجرای عدالت می‌باشد، از لحاظ سازمانی و تشکیلاتی در قوای دیگر حل نشود و خارج از نظام ساختاری، سازمانی و تشکیلاتی سایر قوا باشد، به طوری که وظایف این قوه تحت شعاع نفوذ سایر قوا و نهادهای دیگر قرار نگیرد. «اقتضای استقلال قوه قضائیه همچنین از آن است که انجام وظایف قضایی در رسیدگی و صدور حکم و حل و فصل دعاوی و رفع خصومات در انحصار این قوه باشد. سپردن امر قضا به سازمانهای موازی، به ویژه به سازمانهای قوه مجریه، به هر شخص و ترکیب کلاً و جزئاً خالی از توجیه قانونی و به دور از مصلحت جامعه است».^{۸۶} در خصوص اهمیت جدایی قوه قضائیه از نفوذهای سیاسی ناروا و دخالت‌های منفعت‌طلبانه سایر نهادها، «بلک استون» تأکید می‌نماید: «چنانچه قوه قضائیه با قوه مقننه مرتبط باشد، حیات، آزادی و مالکیت افراد در اختیار خودسر قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب که تصمیمات آنها به نحوه دلبخواهانه و بر پایه اصول بنیادین حقوقی اتخاذ خواهد شد، اگر چه ممکن است قانون‌گذاران از این اصول بنیادین منحرف شوند، اما قضات ملزم به رعایت این اصول هستند».^{۸۷}

^{۸۶} - هاشمی، سید محمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۲، پیشین، ص ۳۷۰.

^{۸۷} . Blackstone, W. *Commentaries on Law of England*, (London: Callell 8 Davies, 15th , edn, 1869, I, p.269: quoted in: Allan, op. cit, pp. 369-370.

۲-۲- استقلال رفتار قاضی: وجه دیگر اصل استقلال قضایی، استقلال رفتار قاضی است. یعنی «قوه مجریه یا سایر مقامات نتوانند وی را از شغل قضایی معزول یا منفصل یا به نواحی دیگر منتقل کنند».^{۸۸} همچنین این استقلال وقتی میسر است که قضات در مقام دادرسی و صدور حکم صرفاً بر اساس موازین حقوقی و قانونی و تحلیل منطقی خود و به دور از هر گونه نفوذ یا فشار بیرونی مبادرت به صدور حکم نمایند.

۲-۳- عوامل مؤثر در استقلال رفتار قاضی: استقلال رفتار قاضی منوط به وجود شرایطی است که تحت آنها قاضی بر اساس قانون و اخلاق انسانی و به دور از هر گونه فشار و تهدید و ارعاب بیرونی اقدام به صدور حکم نماید که این عوامل و شرایط عبارت می‌باشند از: ۱- اصل بی طرفی ۲- انتصاب قضات ۳- امنیت و مصونیت شغلی ۴- حقوق مکفی.

اهمیت و نقش اصلی استقلال قضایی در نظام انتخابات عادلانه و آزاد از آن جهت است که در انتخابات همواره اختلافات، تخلفات، تقلبات و اعمال خلاف قانون برای پیروز شدن وجود دارد. لذا حفظ و پاسداری از متعلق اراده مردم و حقوق سیاسی کلیه بازیگران، ایجاب می‌نماید تا به طرز شایسته‌ای اعمال و تصمیمات انتخاباتی منطبق با قانون مورد قضاوت و ارزیابی قرار گیرد. حسن این امر این است که چنانچه تصمیمات و اعمال بر اساس قانون باشد، موجب افزایش اعتماد و اطمینان مردم از فرآیند و نتایج انتخابات می‌گردد و همچنین باعث جلوگیری از وقوع تخلفات و سوء استفاده‌ها و رفع آثار و جبران خسارت‌های احتمالی ناشی از اقدامات و تصمیمات مغایر قانون می‌گردد. مسأله مهم این که حل و فصل دعاوی انتخاباتی نیازمند تحقق عدالت، احیای حق‌ها و رعایت اصل بی طرفی است، نظام قضایی بهتر می‌تواند این دغدغه را پوشش دهد. حال اگر قاضی در مقام حل و فصل دعاوی، اعتراضات و شکایات انتخاباتی قرار گیرد و متصف به استقلال قضایی هم باشد، می‌توان با اطمینان خاطر بیشتر، انتظار یک انتخابات آزاد و منصفانه را داشت.

۳_ اصل کنترل قضایی:

کنترل قضایی شیوه و شکلی از رسیدگی دادگاه است که در آن قضات به خلاف قانون بودن تصمیمات یا اعمالی اتخاذی مقامات و نهادهای عمومی رسیدگی می‌کنند.^{۸۹} به عبارتی، «وظیفه دادگاه بررسی قانونیت یا بررسی

به نقل از: مرکز مالگیری، احمد، **حاکمیت قانون؛ مفاهیم، مبانی و برداشتها**، (تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، چ اول، ۱۳۸۵)، ص ۱۷۳
^{۸۸} - همان.

^{۸۹} . Farber, Joseph M. , "Justifying Judicial Review", 32 aop.u.L.Rev 65. 2004. www.heinonline.org.

عمل رسمی مأمورین و عاملین و نمایندگان دولت از جهت انطباق با قوانین یا تجاوز از اصول بنیادین عدالت»^{۹۰} می‌باشد. در واقع، «تأکید بر مفهوم کنترل قضایی به مثابه یک مفهوم، یک نظریه و یک وسیله برای تطابق اعمال مصوبات قوای حکومتی با «قانون برتر» است».^{۹۱}

در خصوص کاربرد اصل کنترل قضایی جهت تضمین اصول بنیادین و رویه‌ای انتخابات دموکراتیک، استدلال‌ات قوی وجود دارد. اول این که، قضات نسبت به سایر مقامات حکومتی از شأن و اعتبار ویژه‌ای برخوردار هستند. به خاطر این که دارای تخصص، بی‌طرفی و وصف غیر جانبدارانه می‌باشند. لذا اغلب احزاب سیاسی و کاندیدها، برای رقابت در انتخابات، بیشتر از نهادها و مقامات وابسته سیاسی یا اداری به آنها اعتماد دارند. همچنین قضات به دلیل تسلط بر تطبیق اقدامات و تصمیمات با مراد و روح قانون، توانایی بهتری در حل و فصل وقایع انتخاباتی را دارند و نسبت به سایر ناظرین در انتخابات، بهتر معنا و مفهوم قانون را درک می‌کنند و دیگر این که، برعکس ناظرین انتخابات که صرفاً به ارائه گزارش اکتفا می‌کنند، قضات می‌توانند متخلفین را مورد حکم و مجازات قرار دهند. در این نگرش، به محض این که نظام سیاسی به سطحی از رشد و کمال سیاسی برسد، که در آن احزاب سیاسی و نهادهای عمومی مایل به ادامه حیات مطلوب باشند، سپردن نظارت بر انتخابات به نهاد قضایی می‌تواند منجر به زندگی دموکراتیک عالی شود.

۴_ اصل وجود نهادهای مدنی:

نظام دموکراتیک به منزله تجلی اراده و حاکمیت مردم، متضمن کثرت‌گرایی سیاسی است. کثرت‌گرایی واجد وجوه عملی و مفاهیم عینی گوناگونی است. انتخابات، نظام نمایندگی شوراها، انجمنهای ملی و محلی، سندیکاها، اتحادیه‌ها و سایر ساختارها و نهادهایی از این قبیل را در برمی‌گیرد. اما مشخصاً در منسجم‌ترین و نظاممندترین صورت خود در قالب احزاب سیاسی و سازمانهای غیردولتی و اتحادیه‌ها و سندیکاها بروز می‌نماید. ایده جامعه مدنی با نگرش کثرت‌گرایی، نقش مهمی در سازماندهی زندگی جمعی مردم در جامعه سیاسی دارد. از آنجایی که همواره دولت قوی‌تر از مردم به نظر می‌رسد و احتمال استبداد و خودرایی وجود دارد، وجود هیأت‌های واسطه‌ای برای مقاوم نمودن مردم در برابر دولت و بیان اراده خود لازم و ضروریست. «بر این اساس، حضور هیأت‌های حائل بین توده‌های بی‌نام از شهروندان اجتناب‌ناپذیر خواهد بود تا بدین وسیله زمینه مشارکت مؤثر شهروندان در امور اجتماعی

^{۹۰} . Wikipedia Free Encyclopedia, "Judicial Review". www.wikipedia.com.

^{۹۱} - زراعی، محمد حسین و مرکز مالگیری، احمد، «مفهوم و مبانی کنترل قضایی؛ تأکید بر نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۰، پائیز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۱۵۲.

و سیاسی فراهم شود. این هیأتها، در عین حال به منزله رابطه و وزنه تعادلی هستند که می‌توانند افکار و اندیشه‌های متنوع و مطرح در جامعه را نهادینه سازند و بدین وسیله راهگشای گفتگوی منطقی و مسالمت‌آمیز در یک نظام کثرت‌گرا و دمکراتیک باشند.^{۹۲} لذا با پذیرش جامعه کثرت‌گرا و تنوع ایده‌ها است که می‌توان گفت «جامعه مدنی شامل تمامی نهادها و جنبش‌های فکری می‌شود که در جامعه بین حوزه دولت و حوزه فرد و خانواده قرار می‌گیرد».^{۹۳} مفهوم جامعه مدنی را همچنین از دو جنبه می‌توان بررسی کرد: «یکی جنبه سلبی، به این معنی که قدرت دولت باید محدود باشد. به نحوی که قادر به کنترل کلیه فعالیت‌های اجتماعی، نفوذ در تمامی جنبه‌های زندگی مردم، یا جذب همه نیروهای مستعد و کارآمد به سوی خود نباشد و دیگر جنبه اثباتی، به این معنی که در جامعه باید رکن و کانونهای مستقل وجود داشته باشد که مردم بتوانند برای حل مشکلات خود در چارچوب آنها دست به فعالیت‌های گروهی بزنند و نیز به عنوان کانالی برای ابلاغ افکار عمومی و فشار بر دولت عمل کند و همچنین حصارى باشد در مقابل تعدياتی که علیه مردم صورت می‌گیرد».^{۹۴}

در مجموع، جامعه مدنی جامعه‌ایی است که متشکل از گروه‌های ارادی و داوطلبانه مستقل و خودگردان که با هدف پیشبرد منافع و علایق و سلیقه‌های افراد عضو تشکیل می‌شوند. این گروه‌ها می‌توانند قالب تشکیل صنف، اتحادیه، باشگاه، انجمن، سازمان‌های غیردولتی یا غیرحکومتی، حزب، سندیکا، مؤسسات رسانه‌ای و غیره را پیدا کنند.

۵_ اصل وجود رسانه‌های آزاد و مستقل:

تمامی دولت‌ها در همه نظام‌های سیاسی به دنبال کسب حمایت مردم از سیاست‌هایشان یا حداقل پذیرش این سیاست‌ها از سوی آنها هستند و از آنجایی که دسترسی به توده مردم تنها از طریق وسائل ارتباط جمعی مثل مطبوعات، رادیو و تلویزیون امکان‌پذیر است، این رسانه‌ها در جوامع امروزی نقش محوری ایفاء می‌کنند.^{۹۵} رسانه‌ها و مطبوعات دارای کارویژه‌های مختلفی در نظام دمکراتیک بالاخص در فرآیند انتخابات و تحقق مشارکت مردم دارند؛ از جمله کارکردهای اصلی آنها «پاسخگو نمودن دولت، اطلاع‌رسانی، آموزش مدنی شهروندان، مرتبط کردن مردم با حاکمان و نظارت و کنترل قدرت سیاسی»^{۹۶} است.

^{۹۲} - هاشمی، سید محمد، «جامعه مدنی و نظام سیاسی»، پیشین، ص ۶۲.

^{۹۳} - احمدی، امیر، *جامعه مدنی و توسعه ملی*، (تهران: نقش و نگار، ج اول، ۱۳۸۱)، ص ۴۷.

^{۹۴} - بیتنام، دیوید، بویل، کوهن، پیشین، ص ۱۳۵.

^{۹۵} - بیتنام، دیوید و بویل، کوین، پیشین، ص ۲۸.

^{۹۶} . Lange, J, and Palmer, A. (Eds), *Media and Elections*, (Germany: European Institute for the Media, 1995), p.10.

نقش بارز مطبوعات و رسانه آزاد و مستقل در مشارکت سیاسی افراد جامعه و انتخابات از اهمیت خاصی برخوردار است. رضایت و مخالفت سیاسی مسالمت آمیز و مشارکت عامه مردم در زندگی سیاسی نیازمند آزادی بیان عقاید است. لازمه مشارکت فعال شهروندان در امور سیاسی و مسائل مربوط با سرنوشت خود، دسترسی آزاد آنها به اطلاعات و اخبار است. «رسانه‌ها با مطلع کردن عموم درباره آنچه که سیاستمداران در فرآیند انتخابات شعار می‌دهند و مطرح نمودن آنچه که مدنظر مردم است»،^{۹۷} نقش مهمی در تضمین برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه دارند. در واقع، اگر رسانه‌ها اطلاعات کامل و واقعی را در اختیار بازیگران انتخابات قرار ندهند، دیگر نمی‌توان تحقق حقوق سیاسی و انتخاباتی را شاهد بود. لذا رسانه‌ها در حوزه انتخابات می‌توانند تضمین‌بخش سه حق و آزادی عمده باشند: «۱- حق رأی‌دهندگان به داشتن اطلاعات دقیق در خصوص فرآیند انتخابات و توانایی آنها به تعیین ترجیحاتشان ۲- حق کاندیداها و احزاب به بیان دیدگاهها و برنامه‌هایشان به رأی‌دهندگان ۳- حق رسانه به ارائه گزارش آزادانه از فرآیند انتخابات به شیوه مقتضی».^{۹۸}

۶_ اصل وجود مدیریت انتخاباتی مستقل و کارآمد:

از جمله شاخصه‌های بارز یک نظام انتخابات شایسته وجود نهاد مدیریتی مستقل، بی طرف و متخصص در زمینه برگزاری و اجرای انتخابات است. اهمیت این نهاد در تحقق انتخابات دموکراتیک از آن جهت است که نقش مهمی در تضمین حقوق انتخاباتی و سیاسی شهروندان و سلامت انتخابات دارد. چرا که در نتیجه عملکرد این نهاد است که حقوق سیاسی و انتخاباتی در فرآیند انتخابات چهره عملی به خود می‌گیرد. حال اگر نهاد مدیریت انتخابات فاقد خصیصه‌های بی طرفی، استقلال و تخصص باشد، نتیجتاً باید شاهد نقض حق‌های شهروندان و بی‌ثباتی حکومت و حتی خودکامگی بود. به جهت این که این نهاد در راستای برگزاری یک انتخابات اصیل، آزاد و منصفانه و حقوق انتخاباتی شهروندان و پارلمان کارآمد که تبلور اراده واقعی مردم باشد، حرکت کند، می‌بایستی به موجب قانون اساسی تأسیس و وظایف آن به صراحت مشخص شود. همچنین از لحاظ ساختاری و سازمانی تحت سیطره و نفوذ هیچ یک از نهادهای حکومتی نباشد. از این رو، اعضای آن باید به شیوه‌ایی کاملاً روشن و دموکراتیک از نهادهای مختلف حکومتی و غیر حکومتی تشکیل شود، به طوری که در مقابل آنها و عموم کاملاً پاسخگو باشد.

^{۹۷}. Media Monitoring Commission of Zimbabwe, "Direct Access to The Media in Election Campaigns", Zimbabwe, Harare, 2001, p.3. [www. icon.co. zw/mmpz.pdf](http://www.icon.co.zw/mmpz.pdf).

^{۹۸}. Ibid, p.4.

به منظور کارآمدی این نهاد جهت حسن انجام قوانین و مقررات انتخاباتی باید تحت نظارت عموم از طرق مقتضی قرار گیرد و همواره در برابر شهروندان و نهادهای ذیصلاح پاسخگوی اقدامات و تصمیمات خود باشد و تصمیمات این نهاد باید بر اساس اصول شفافیت و اصل حاکمیت قانون اتخاذ شود. در واقع، بدون وجود مدیریت مستقل، بی طرف و پاسخگو، امکان برگزاری یک انتخابات اصیل و دمکراتیک وجود ندارد و چه بسا در نتیجه خلاء چنین نهادی افراد و گروههای خاصی، از طریق انتخابات کاملاً غیر دمکراتیک و غیر رقابتی، بر اریکه قدرت تکیه بزنند و با به دست گرفتن قدرت قانون گذاری، در جهت تأمین منافع خود و بر خلاف اراده عمومی، گام بردارند.